

اُمید

در امریکانه
\$1.50

مفته نامه مردم افغانستان

شماره دهم / سال بیست و هشتم / ۳۰ جدی ۱۳۹۸ / ۲۱ جنوری ۲۰۲۰ / شماره مسلسل ۱۰۶۶

در فضیلت قناعت

من آن مورم که در پایم بمالند نه زنبورم که از دستم بنالند
کجا خود شکر این نعمت گذارم که زور مردم آزاری ندارم
حضرت سعدی (رح)

افغان مینې مارکیت عرضه کوننده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd.Springfield. VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

مترجم: امیر کیفی استادسابق دانشگاه کابل

مستندات افغانستان و بازسازی فریبنده

ستراتژی ناکام شد اما پلانیهای موثرهنگام خروج نیروهای امریکا از افغانستان ساخته شوند. جید بابن Ted Babbین معاون وزارت دفاع امریکادر زمان بوش(فرزند) نظر خودرا درواشنگتن تایمز ۲۹ دسمبر ۲۰۱۹ بیان داشته است.

اسنادی که قبلا درروزنامه واشنگتن پست به نشررسیده بود باید موردمحقق گفت و گوهاومباحثات در میدیا قرارمیگرفت. واشنگتن پست نشر کرده بود که سیاسيون ونظامیان امریکا درباره جنگ افغانستان مردم را فریب دادند و واقعیتها را پنهان کرده بودند. اما میدیا از کنار آن بدون توجه عبور کردو آنرا به بادفراموشی سپرد. توجه میدیا در امریکا بسوی محاکمه رئیس جمهور و انتخابات ابتدایی ریاست جمهوری دموکراتها گردیده است.

مستندات افغانستان جزعراپور سیگار Special Inspector for Afghanistan Reconstruction است. این گزارش حاوی مصاحبه ها، گفت و شنیدهای حدود دوصد نفر نظامی بالار تبه و سیاسيون تاثیر گذار میباشد که همه به نحوی از انحا درباره جنگ افغانستان پنهان کاری کردند وواقعیت رادیگر گونه نشان دادند. عدم موفقیت جنگ را درلحاف (بازسازی افغانستان) پیچانیده وبا تاسف گفت که (بازسازی) هم محکوم به ناکامی بود !

هر دورئیس جمهور(بوش و اوباما) «ملت سازی «رابحیث یک ستراتیژی قبول کرده بودند که هیچ ارتباطی به جنگ نداشت. آنهاهمیش برخ مردم می کشیدند که چقدر مکتب ساخته شده وچقدر پلیس ونیروی امنیتی زیر آموزش و تربیه قرار داده شده و چیزهایی ازین قبیل.

نتیجه جنگ نزده ساله درافغانستان واضح وروشن است: طالبان شکست نخوردند روزبروز قویتر شده میروند وموقف سیاسی واجتماعی شان به مراتب بالا رفته است ! آنها نصف خاک افغانستان رادر اشغال دارند وحکومت موجوده آنرا به اندازه یک خس هم اهمیت نمی دهند. اینهمه ناشی از ستراتیژی خاک بوش و اوباما میباشد که مطلقا ناکام بوده وهیچ دستاوردی نداشته که پس از خروج نیروهای امریکا وناتو ازین برود وقابل اندیشه باشد.

حدود ۲۴۰۰ نیروی ماکشته شدند وبیش از ۲۰ هزار نفر زخمی، مادرانکشور مبلغ یک تریلیون دالرسرا زیر کردیم به منظور اینکه مکتب، سرک، بند وانهار، کلنیک وستیشن برق بسازیم، اکثریت پولهای بادآورده حیف ومیل شد وفسادگسترده در آن کشور حکمفرما گردید. ماجیزی نداریم که به ملت خود نشان دهیم که قربانی های انسانی ومالی ما هدر نرفته است! زیرماهرگز از شناسایی بافت قبیلهای، فرهنگ ونفوذ عمیق دین اسلام در آن جامعه خبر نداشتیم !

جارج بوش در مبارزات انتخاباتی از بیل کلنتن انتقاد کرده بود که درسومالیا کوشش های رابراه انداخته بود که آن کشور را (بازسازی) کند، اماخودش بعد از حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ به افغانستان لشکر کشی کرده طالبان راتارومار و القاعده را نابود کرد اما نتوانست بن لادن رادستگیر کند یا بکشد. ولی همان ستراتیژی راکه درسومالیا و ویتنام ناکام بود، تعقیب کرد .

ساخت وبافت جامعه افغانستان مطلقا قبیلهای است که طالبان از بطن آن تبارز کرده اند، هدف ستراتیژی بوش واوباما درافغانستان ظاهرا تامین امنیت برای مردم افغانستان بود تا درسایه آن بتوانند دموکراسی غربی راتمرین وتجربه کنند که چنین نشد.

من باوزیر دفاع آقای رمزفیلد وجنرال پتروس ودیگر جنرالان سه ستاره و چهار ستاره صحبت هاوملاقاتهای فراوانی داشتم واینها بطورخوشبینانه ازافغانستان صحبت میکردند، زیرا هر دو رئیس جمهور بوش واوباما وحتى ترمپ اصرار می ورزیدند که همین ستراتیژی باید تعقیب گردد. رهبران نظامی مانتوانستند یا نخواستند که روسای جمهور راقانع بسازند که ستراتیژی شان ناکام است واز آن صرف نظر نمایند.

افغانستان به اندازه وسعت ایالت تکساس وداری حدود ۳۷ ملیون نفوس است. در زمان اشغال شوروی که بین سالهای ۱۹۷۹ تا

۱۹۸۹ واقع شد، تعداد عساکر شوروی ۱۲۰ هزار بود، آنها نتوانستند این جامعه قبیلهای را کنترل کنند.

ما در یک زمان یکصد هزار نیرو داشتیم ولی نتوانستیم برای شان امنیت فراهم کنیم. اگر مادر این نزده سال چیزی یاد گرفته باشیم باید این باشد که افغانها خبریدار دموکراسی ما نیستند زیرا دموکراسی غربی ما مغایر ارزشهای اسلامی آنهاست. گروه طالبان مارا بحیث اشرار insurgent و صلیبی ها crusaders به فهم قرون وسطی میدانند، آنها فکر میکنند که مادین ایشان رامی دزدیم و آنرا به عیسویت تعویض مینماییم!

نظامیان و سیاسيون مابه خود دروغ گفتند از اینکه پاکستان نقش اساسی ومهم را درقبال تقویه و پشتیبانی مالی وتجهیزات طالبان ایفا نکرده است. پاکستان سالهاست که حامی مالی ونظامی طالبان است. پلانیهای جنگی از طرف آی اس آی ترتیب واز طرف طالبان عملی میشود. از سال ۲۰۱۷ به اینسو کماندوهای ایرانی درکنار طالبان می جنگند.

آقای ترمپ میگوید که مخالف (ملت سازی) است، اما کدام ستراتیژی دیگر ندارد. او در نظر دارد که چهار هزار عسکر را از افغانستان خارج کند و یکمده دیگر را در آن کشور حفظ کند. اما پس لرزه خروج نیروها را در نظر داشته باشیم. اگر ما اید یالوژی دشمن را ازین نبریم، افغانستان باردیگروضع قبل از ۹/۱۱ رابه خود خواهد گرفت یعنی محل امن برای تروریستهای القاعده ودیگران میشود. در آنصورت امریکا ودیگر کشورهای متحدا مورد تهدید حادثه ۹/۱۱ می گردند.

بعد از خروج نیروها از افغانستان ما باید یک مرکز قوی استخباراتی را بوجود بیاوریم و در صورت ضرورت برای تارومار کردن ترویستها که در هر جایی که تجمع میکنند اقدامات فوری وعملی صورت بگیرد. نیروهایی که باقی می مانند باید فوق العاده تجهیز گردند و باحمایه ستلایت و راکت های کروز جوابگوی تهدیدات آینده خواهند بود.

مترجم: من بخاطر دارم رئیس جمهور ترمپ راجع به پاکستان گفته بود که پاکستان بجز دروغ وفریب دیگر چیزی برای امریکا نداده است، ازین حرف سالها میگذرد اما درپالیسی امریکادر قبال پاکستان هیچ تغییری نیامده وهنوز هم سیاست امریکا در گرو شادی بازی پاکستان قرار دارد وازحمایه مالی و سیاسی قصر سفید برخوردار است.

همچنان جو بایدن معاون رئیس جمهور او با ما وفعلا کاندید ریاست جمهوری از جانب حزب دموکرات گفته بود که پاکستان پنجاه مرتبه نسبت به افغانستان برای امریکا اهمیت دارد. این اهمیت در چه هست؟ دروغ گفتن، کشتار امریکایی ها توسط طالبان به حمایه پاکستان، تداوم دشمنی بآنها یا دوستی بی شائبه پاکستان باچین ؟!



شادروان قادر فرخ ، محمد آصف (کاکا) جلالی ، اسدالله تاجزی

قادر فرخ، هنرپیشه و کارگردان معروف افغان شب گذشته (۱۵ جدی/دی) در اثر بیماری قلبی در ترکیه درگذشت. او که متولد شهر کابل بود و در زمان وفات ۷۳ سال داشت. آقای فرخ از حدود نیم قرن پیش به اینسو در نقش های مختلف در فیلم های سینمایی و تئاتر داخلی و خارجی نقش بازی کرد؛ از آن جمله می توان بازی در فیلم سینمایی «کاغذپران باز»، محصول سینمای هالیوود را نام برد. این فیلم، بر اساس رمان پرفروش و محبوبی به همین نام از خالد حسینی، نویسنده افغان – امریکایی تهیه شده است. پدرش استاد فرخ افندی از بزرگ ترین موسیقی دانان افغانستان بود. /

محمد آصف جلالی (کاکا آصف)، طنزپرداز معروف بعد از ظهر امروز(اول جنوری ۲۰۲۰م) در اثر حمله قلبی در کابل درگذشت. او بیش از پنجاه سال سن داشت و گفته شده متولد ولایت کاپیسا و ساکن اصلی ولایت لوگر بوده و اما بیشتر سال های عمر خود را از نوجوانی به بعد در کابل گذرانده است. آقای جلالی برای مدت ها مجری برنامه شبخند[] یکی از پر بیننده ترین استند آپ کمدی های تلویزیونی کشور بود. مردم بیشتر بخاطر شوخی هایش، او را به نام «کاکا آصف» می شناسند. او حتی در زمان حکومت طالبان طنز هایش را در خارج از افغانستان روی نوار ضبط و به بازار عرضه می کرد. مرحوم جلالی تئاتر وسینما را به گونه آماتور فراگرفت و در اولین فلمی که بازی کرد، بلبل نام داشت. او این اواخر مجری برنامه طنزی «خندستان» بود.

مرحوم اسدالله تاجزی به عمر ۷۷ سالگی در روزهای اخیر سال ۲۰۱۹ میلادی به اثر مریضی طولانی در کابل وفات یافت. امید: وفات هنرمندان ارجمند مرحومان فرخ و جلالی وتاجزی رضایه بزرگ فرهنگی شمرده، به خانواده هایشان وتامم فرهنگیان کشور صمیمانه تسلیت میگوید.

چندی قبل آقای بس سفیر امریکادر کابل گفته بود که فساد بیداد می کند و پولهای کمکی به جیب چند نفر رفته است. آقای سفیر از کسی نام نبرد اما باید بداند اشخاصیکه در فساد دست داشتند فعلا در امریکا، کانادا و کشورهای اروپایی حیات مرفه دارند و در کشورهای خلیج و ترکیه سرمایه گذاری کرده اند، همه چیز برایشان واضح است وشکایت بیجا مینمایند! آیا نمی داند که حکومت دست نشاندۀ شان ناکار آ وغرق در فساد هست؟ آیانبسی داند که اشخاصی چون زاخیلوال، حکیمی، برادران کرزی، یوسف نورستانی(فعلا به اثر کلاه برداری انتظار فیصله محکمه را در ماه مارچ آینده میکشد)، خانم رولا غنی، سلطان زوی وخانم محترمه شان(مشاور مطبوعاتی رولا غنی) دارایی های ملت غریب وییچاره را به یغما برده ومی برند؟ (دنباله در صفحه هشت)

انجنیر عبدالصبور فروزان
استاد دانشگاه نیوجرسی

خاطرهٔ از شهید استادعزیز احمد پنجشیری و یادِی از شکنجه های طالبان

در تاریخ کهن مسطوراست که عساکرمغلی درخراسان دانشمندان رایکایک گرفته وبه قتل میرساندند، قضاراکه عطار راهم گرفتار کردند ودست بکارشدند تا اورابکشند. عطاربه عساکرگفت: من فریدالدین عطار دانشمند وعالم این قوم هستم ومراهمه می شناسندومنزلت میکنند، مرا نکشید، به بازاربرید مردم به مقدارگزاف زر وسیم ازشما میخرند. بدین ترتیب شماصاحب زر وسیم فراوان میشوید که از کشتن من برای شما بهترخواهد بود. عساکرپذیرفتند و عطار رابه بازارآوردند، غفیری ازمردم جمع شدند وجارچی جارمیزدکه ای مردم این فریدالدین عطار دانشمندوفقیه شماست اگر اورادربرابر زر وسیم بخرید کشته نمیشود. جمعیت خاموش بودوکسی صدایی بلندنکرد، جارچی باردوم جاززد که اگر کسی این دانشمندنام آور واستادسخن وحکیم بینظیر را به مقداری از زر وسیم خریدارشود مااز کشتن اودست بردارمیشویم. جمعیت بازخاموش بود مثلی که کسی چیزی نشنیده ! جارچی بارسوم گفت اگراین مردخردمند وصاحب فضیلت راکسی خریدارباشد، که ناگهان کسی ازمیان جمعیت برخاست وگفت: من حاضرَم که این مرد رابه یک خورجین کاه گندم از شما بخرم ! عطارازین گفته سخت مایوس شدورو بسوی عساکرکرد وگفت: درقومی که دانشمندش ارزش یک خورجین کاه گندم راداشته باشد، مرگ صدها مرتبه ازننده بودن شرف دارد، بهرنحوی که خواهش شماست همانطور مرابکشید !

شهید پروفیسرعزیزاحمدپنجشیری شخصیت مجاهد ومبارز وعاشق وطن بود، او ازمیان مردم برخاست وبرای آزادی وبرابری مبارزه کرد، اوراهی راانتخاب کرد که مرگ دیگری بجزشهادت رادرآن نمی توان انتظارداشت. شخصیت والا وبرجستهٔ استاد وپنهانی دانش وسیطرهٔ علمی اوبه اندازهٔ عظیم وثقیل است که من درخود توان حرف زدن وتبصره راندیدم. درمورد مصلحت دانستم که چندخاطرهٔ از آن استادبزرگ رابادوستان وعلاقمندان شریک نمایم.

درسال ۱۹۹۰شامل کدرعلمی دانشکدهٔ زمین شناسی دانشگاه کابل شدم، وآن وقتی بودکه دانشگاه سخت درچنگال خلیقهاوپرچمیهاقرارداشت وگماشتگان خاد درهردانشکده وهردفترآن جایجاشده واوزاع واحوال آن دانشگاه رابه شدت نظارت میکردندوحتی برخی ازاستادان خلقی وبرچمی وخادیست بودند. آن قشری ازاستادان که شامل این گروه نبودند سخت تحت فشارومراقبت جدی دولت بودند. دردانشکدهٔ ماهم برخی ازآنهاوجودداشتند که برای مادرد سرعظیم بودند وازترس ضرر وآسیب آتهازبان بازکرده نمی توانستیم وحرف آزادنی گفتیم. درمیان استادان دانشکدهٔ ما اسنادی توجه مرا جلب کرد که برعلاوهٔ برازندگی خاص علمی داشت، شخص مبارز وایثارگری هم بود. اوروزی درگوشهٔ از دانشگاه درجوارمقبرهٔ سیدجمال الدین افغان مراکنارکشید وگفت: تو نوهستی درسخن گفت هایت احتیاط کن ، اینهابسیارمردم بی عاطفه وبیرحم اند، نمی خواهم ازمین بروی ! این استاد فرزانه استادعزیزاحمدپنجشیری بود. من که دردانشکده جوانترین استادان بودم وتجربهٔ از روزگارنداشتم، بی باکانه وبی پرده حتی تند وغلیظ درمورداشغال روسهاوشرارت وقساوت خلقی هاوپرچمی ها حرف میزدم وکدام شاگردمن عضوخاد بودوچیزهایی درموردمن به خاد گفته بود. وقتی بمن احوال دادند، حرفهای استادپنجشیری بخاطرَم آمدوتا زمانی که خلیقهاوپرچمیها درقدرت بودند نصایح آن استادگرانمایه راحلقه گوش ساخته بودم .

استادازآن صحبت مختصربه بعد ازدوستان قریب من شدوهمیشه همراه و همدل بودیم واو مرا بااستادان سابقه داردیگری که درجهبهٔ ضدخلقیهاو پرچمیهابودند معرفی کرد وحلقهٔ دوستان همراه و همدل من وسیعترشد ولی با استادپنجشیری که تنهامیشدم ودرگوشهٔ می بودیم تبادل افکار ودرد دل می کردیم. ازقضایک فارغ التحصیل انستیتوت پولیتخنیک به دانشکدهٔ ما فرستاده شد که شامل کدرعلمی گردد، استادان دیگربشمول خلیقهاوپرچمیهااز گرفتن امتحان اوشانه خالی کردند، زیرا اوزورمند وعضوخطرناک خادبود که تعداد زیادی رامتضرر، محبوس ومعزول کرده وبرخی راسربه زیربال کرده بود. امتحان اوبه من که جوانترین وبی تجربه ترین درمیان استادان بودم محول شد.سئوال هابرایش داده شد، باوجوداینکه میدانستم اوعضو خاداست ومن ازخاد سخت نفرت داشتم وضرها دیده بودم، ولی خداوند(ج) راحاضردیده وباتمام صداقت وایمانداری که شایستهٔ یک استاد است جوابها وپرسشهارا بررسی کردم که درخاتمه ناکام شد واستحقاق شمولیت درکدر برایش داده نشد، که اکثریت ازآن خوشنود گردیدند.



شهید استاد عزیزاحمدپنجشیری رئیس فاکولتهٔ ماکه خلقی یاپرچمی بود مرافرا خواندوآنچه دلیل وبرهانی که پیش کردکاری نیفتاد. چندروزی گذشت ورئیس دانشگاه که طاهرعنایت نام داشت واز پروردگان کی جی بی بود مرابه دفترخودخواست، من باصداقت تمام دلایل خودرا برایش گفتم، سئوال وجواب هارانشان دادم که دلالت به بی لیاقتی شخص کاندید میکردند، طاهرعنایت چیزی نگفت ومن هم چیزی ندانستم، اما برایش تفهیم کردم که درموقف خودقائم واستوارهستم. حالامن درتحت فشارشدید وجدانی قرارداشتم که شخص کاندید علاوه براینکه عضو خاداست نالایق هم است ! وازنگاههای مرموز ولی خصمانهٔ طاهرعنایت برداشتم که برایم میگفت «سرت بوی قورمه میدهد!»(ولی بعدهادریافتم که آن دستوربود که یک گماشتهٔ قوی خاد باید درفاکولتهٔ ماجابجاشود تاناظر حرکات عدّه ازاستادان مشکوک که برضددولت کمونیستی فعالیت مینمودند ازجمله پوهاندعزیزاحمدپنجشیری، پوهاندسعیدخان وخودم باشد. وقتی این تلاشها نتیجه نداد، امرشدتامجلس استادان دانشکده بشمول تعدادی ازاستادان پولیتخنیک ونمایندهٔ ریاست دانشگاه دایرشد ومسأله رابرسی نمایند. حتی درمجلس یک استادسابقه داردانشکدهٔ مارا که حیثیت پدر رابرایم داشت ودر شفاخانه بستریود، نیزاز بسترمریضی به مجلس آوردند تاازنفوذ معنوی اوبالای من استفاده شود. درمجلس بهراندازهٔ که برمن فشارآوردند موقف خودراتغییر ندادم، سرانجام به آوازبلندگفت :«:این یک جنایت است که کسی راکه دستهایش بخون مردم بیگناه آلوده است بیاوریم واستاد سازیم واولادوطن را بدست او بدهیم !

آنروزگذشت ولی این صدای وجدان من که بی محابا وبی ترس ازرایانم برآمد ودرآن روزگارچیز دیگری بجزبه پای خودرفتن به پایهٔ دارنبود، این حرفها مجلس رابه اندازهٔ به جوش آورد که هیاهوی آن به دوردستها ازدفتررئیس فاکولته بلندشد،وضعیّت مجلس برهم خورد واستادانی که ضد کمونیستهابودند ازخوشی چهره هایشان قرمزشده بود، استادان خلقی وبرچمی چیغ وواویلا میکردند که اشاراست اشار ! یک استادپشتوزبان که درتعصب زبانی سخت غرق بود دهنش کف کرده بود، میلرزید وبالای من چیغ وفریاد میکشید، چون کاندیدمذکورپشتون بود. اسنادی که ازبسترمریضی آمده بود بیهوش شد. نمی دانم وضعیت من درآن لحظه ازچه قراربود ولی دردل آرامش وتسکین داشتم که کارخوب کرده ام وسخن حق گفته ام، باکی ندارداگریه من آسیب برساند.

امااستادعزیزاحمدپنجشیری بازیرکی ودرایتی که داشت فوراً درک کرد که وضع به آن شکلی دگرگون شده که مراباید از همان مجلس دست وپایسته به زندان میبردند یاسرم راازتنم جدا میکردند. اودرظرف کمترایک ثانیه تصمیم گرفت وازجا برخاست دست مراگرفت وازمجلس کشید، وچندمشت کاری بریستم حواله کرد ودروازه رابست. استادان خلقی وبرچمی ازمین حرکت استادپنجشیری خوش شدند که گویا اومرا توهین وبی آبروکرد، ولی درواقع او درآن لحظه مرا ازکشتن وزندانی شدن نجات داد، چه آنهاتصمیم گرفته بودند که مرامجبورسازند تا امضانمایم که اعتراف جرم تلقی میشد که پاداش آن مجازات واخلراج از کدر علمی بود !

بخاطردارم که داکترنجیب درهربیانیه ومصاحبه ادعامیکرد که همه اقشارمردم حتی استادان دانشگاه ازدولت اوراضی اند ودروازهٔ دانشگاه هرگزبسته نشده، اواین ادعا راحتی دریانیه اش دراسامیلهٔ عمومی ملل متحدگنجانید. ملت هاو حکومت دیگرحرفش راقبول میکردند وبازبودن دانشگاه وخاموشی استادان برایش یک اعتباربزرگ ملی وبین المللی بود.

درسال اخیرحکومتش شور و غوغایی دردانشگاه کابل بلندشد، با وجود قیودات شدیدخاد ونظاره ومراقبت استادان خلقی وبرچمی، صدای اعتراض علیه حکومت نجیب ومظالم خادواعضای حزب ازهر دانشکدهٔ دانشگاه کابل بلندشد که درمرکزثقل آن استاد پنجشیری بود. اوبه فعالیتهایی دست زد که دانشگاه رابه اعتصاب بکشاند.

یادم است که من استادرا درآنزمان همراهی میکردم، دانشکده به دانشکده می رفتیم واستادان رابه اعتصاب دعوت میکردیم. استادپنجشیری بامحبوبیتی که درمیان استادان داشت وباطرزصحبت گیرای خود قناعت اکثریت استادان را حاصل نمود وسرانجام همهٔ دانشگاه باوجودتلاشهای خادوخلق وپرچم به اعتصاب کشانیده شد که برای چندهفته دوام کردوفشار شدیدی بردولت و مشت کوبندهٔ به دهان نجیب بود ولی ادعامیکرد که خیبروخیریت است، استادان دانشگاه همه بادولت همنوآند. نجیب به اندازهٔ تحت فشارآمد که خالقیارصدراعظم رابه دانشگاه فرستاد تابا استادان صحبت نماید. خالقیارسه بار به دانشگاه آمد دخواستهای استادان همه ملی ومردمی بود، دولت نجیب منتظر ماندتا اوضاع کمی آرام شد وبعداً فیصله شده بود که عدّه از استادان ازجمله استادعزیزاحمد پنجشیری، استاد داکترسیدامیرشاه حسنیار، استاد گل رحمان قاضی واینجانب را مجازات نمایند. خادومقامات دولتی ترتیبات گرفتاری این استادان رامیگرفت که ناگهان کشمکشى درداخل دولت نجیب ومیان اعضای خلق وپرچم پیدا شد که زمینهٔ سقوط آنرا وپیروزی مجاهدین رامساعدساخت وما ازکشتن نجات یافتیم .

استادپنجشیری باجههٔ پنجشیرارتباط مستقیم داشت وزمینهٔ ملاقات عدّه از استادان دانشگاه راباقهرمان ملی ومدافع بینظیر کشورشهیداحمدشاه مسعود(رح) مساعدساخت . این ایثاراستاد در زمانی که حکومت کمونیستی درکابل حکمفرما بود، فداکاری و سربازی بزرگ اودرجهادکشوربرای نجات وطن از چنگال کمونیستها وروسها بود.

باپیروزی مجاهدین واستقراردولت اسلامی، استادعزیزاحمد پنجشیری ازآغاز تاسیس آن درقطارعدّهٔ دیگری ازاستادانی که برای نجات وطن ازچنگال روسها مبارزه میکردند، دراستقرارواستحکام آن کمرهمت بست ودربین راه آنچه که درتوان داشت بکاربرد و همکاری صادقانه نمود. این استادان دولت نوتاسیس رابامسایل شهری ووطنی همکاری مینمودند. این اولین باردرتاریخ کشوربود که استادان دانشگاه همکار ومشاورومستقیم دولت بودند.

دیری نگذشت که گلبدین به هدایت نظامیان پاکستان برعلیه دولت اسلامی اعلان جنگ دادودرچهارآسیاب لوگر سنگرگرفت وبیایی شهرکابل رامورد حملات راکتی خودقرداد. اوجنگ راآغازکرد شهرکابل راویران نمود، شهر وندان آنرا آواره وبی خانمان، شهید وزخمی نمود وهزاران طفل رایتیم و هزاران خانه را ویران کرد. اوحالتی رابرکابل وشهروندانش آورد که ازدل سنگ صدای گریه وزاری شنیده میشد وازچشمان مردم بعضو اشک خون میریخت. دستگاههای دولتی وعامه رافلج ساخت وبه همکاری عبدالعلی مزاری دانشگاه کابل رابه ویرانه تبدیل کرد، درهای علم ودانش را مسدود نمود، استادان ودانشجویان راآواره وپیشان ساخت، وآن آرزوهایی را که استادان دانشگاه ازشالیان درازبرای نجات وطن ازاشغال روسهاوفراهم سازی زمینه های آرامش وحیات مرفهٔ مردم دردل میپروراندند همه رابخاک کشید.

درچنان اوضاع واحوال نیزاستادان دانشگاه خاموش نماندند وبرای خاموشی شله های جنگ وبرگرداندن صلح تلاشهای همه جانبه وایثار گرانه نمودند و درصحت رابا گلبدین وهمدست او مزاری بازنمودند. باوجودخطرات راکت پراگنی گلبدین، چندین باربه چهارآسیاب رفتند وازاو تقاضاکردندتاجنگ، انسان کنی ووبرانی راختمه دهدوراههای ترانسپورتی راباز وآمدن زغال و موادغذایی رابرای شهروندان کابل که درسرمای شدیدزمرستان آواره ودربدر ساخته شده اند مانع نشود.

استادعزیزاحمدپنجشیری که یکی ازیشگامان این حرکت بود، دریکی از ملاقات هابه گلبدین چنین خطاب نمود: آقای گلبدین حکمتیار آیاشمابه رسم شاهان وسلاطین قدیمه برای بنده امان میدهد که صحبت نمایم؟ این جملهٔ مختصر ولی پرمفهوم استاد مانند گلولهٔ درقلب سیاه وناپاک گلبدین فرو رفت، چهره اش کبود شد وپرخانه های بینی اش ازفرط غضب به پرش افتاد وگفت: شما فکر میکنید که من آدمکش هستم، بفرماییدصحبت کنید ! این حرف های استادپنجشیری درآنوقت به اندازهٔ تند وغلیظ بود که همه استادان را به حیرت انداخت وهمه نگران شدند که گلبدین آسیبی به اوبرساند، زیراچیزی کمترایزیکماه میشد که میرویس جلیل خبرنگار بی بی سی رابخاطرسئوالی به قتل رسانده بود.



عنوان کتاب : شیون کابلی

مؤلف : ولی احمد نوری

یاد ایامی که ماهم آرزویی داشتیم
گردن جان درخم زنجیرمویی داشتیم
بی سبب بیگانگی دارد به ما پیرمغان
بردرمیخانه ماهم آبرویی داشتیم
کار مازانرو به آه وشیون وافغان رسید
کاشنایی ظالمی، بیگانه خوبی داشتیم
مطالعین نهایت عزیز وفرزانهٔ جریدهٔ مردمی امید !
قبل از همه از تمام دوستان و عزیزانی که نسبت اطلاع ازآسیب ناگهانی جسمی ام دعا وپیام پرمحبتی فرستاده اند، اظهارسیاس میدارم.
اینک به سلسلهٔ معرفی شعرا ونویسندگان وطن، مجموعهٔ شعری زنده یادمحمد رحیم ضیایی «شیون کابلی «راکه توسط نگارنده ومولف روشن بین ولی احمدنوری برشتهٔ تحریرآمده است، به شما ارائه می کنم :

درصفحهٔ اول کتاب که دوصد وسی ودو صفحه رابا بعضی تصاویرتاریخی دربرمیگیرد، شخصیتی چند از ادبا ونویسندگان آشنای مرحوم شیون چنین می خوانیم :

«ازنثرزیبای شیون کابلی بوی مدرسهٔ سنایی می آیدوشعر شیوای او نگهت ندیم و جامی دارد.
»(استادخلیل الله خلیلی)

«شیون کابلی مرد سخت دانا، صاحب قریحه ووطندوست بود ودین بزرگی برگردن فرهیختگان روزگارما دارد. این مرد داستانی ترین سیمای نهضت ادبی نودسال اخیرکشورماست وبه دلایل خاص سیاسی تااخیرعمر فرصتی نکرد دیده به دیدارخانه وخانواده وزادگاهش روشن کند وباحسرت وحرمان زیاد چهره درنقاب خاک کشید.
»(محمداکرم عثمان)

یاد (شیون) کی شود زایل ز ذهن روزگار
چون که برتن کسوت عشق وطن پوشیده است
قدردان محبت یکرنگیست(بهروز) از ازل تا ابد از فرقه و اهل فرق رنجیده است (محمدحسین بهروز)

آقای ولی احمدنوری ضمن عرض مرام خودمی نویسد :
«خوانندهٔ محترم ! من به این مفکوره اقدام به تحریراین اثرکردم تاباشد که به نوبهٔ خودوبه اندازهٔ توان وامکانات مادی ومعنوی خویش، آن وطنداران ارجمندخود راکه عمری را درراه علم وعرفان صادقانه خدمت نموده اند واکنون بین ما نیستند معرفی نمایم.»

همچنان ناشرعزیز درپیشگفتارش نوشته :
«من دراینجا قصد ندارم که زندگی وهمه ارزشها ودستاوردهای شعری شاعر را مورد بررسی قراردهم ویا نقدی به اشعارش بنویسم، بلکه میخواهم بگویم که خوشبختانه درارتباط نزدیک باشاعر (شیون کابلی) بسی اوقات ازشنیدن اشعار واز گرمی احساسش لذت برده ام و ازخوان پرفیض معرفت واخلاق شایسته وانسانی اش پند واندرزگرفته ام...»

بهرحال طوریکه درقسمتی اززندگینامهٔ شیون کابلی خوانده ام، شیون کابلی درجوانی بامردان هنرمند، ادیب وروشن ضمیر همعصرخودمعاشرت داشته واز جمله به محمودطرزی نویسنده وژورنالیست وشاعرشیواکلام وقت علاقهٔ بسیار دوستانه وروابط شفیقانه داشت وازخدمات او درنشرمجدد سراج الاخباربیعت اولین جریدهٔ سیاسی واجتماعی کشور به نیکیویی بادمیکرد، واین شعرا همیشه زمزمه میکرد :

بیا ببین که درجهان چگونه گشته کارها
جهان جهان ریل شد زمان زمان طار ها
چه بحر ها که پرشده چه خشکه ها بحارها
چه کوه هاشگاف شد گذشت ازآن قطارها
جهان جهان علم وفن زمان زمان کار ها
بس است صید بودنه میان کشتزار ها !

مرحوم شیون کابلی ازخط حرکت نادرخان انتقادمیکردومیگفت:
«من طرفدار این نیستم که مردم را ازاینکه ازراه به چاه میروند کمک ورهنمایی نکنم:

چومی بینی که نابیناه وچاه است اگرخاموش بنشیني گناه است
«شیون کابلی قبل ازاینکه ازوطن دور ومهاجر سرزمین دیگران شود، مدتی درشهر امام صاحب وهم دربدخشان اجرای وظیفه نموده است. وقتی او افغانستان را بنابرعواملی که درکتاب ذکرشده است، ترک کرد، دختر عزیزش خدیجه(بعدها خانم پروین، نخستین بانوی آهنگ سرای کشور) طفل کوچکی بود... سالیان دراز قلب این پدر درفراق اولین فرزندش وهم از مادرش پیامی نداشت. سیزده سال بعددخترک نامهٔ نوشت وبرای پدر

محمد طاهّا کوشان

ز فرق تا قدم ،افسون حیرتی بیدل !

کسی چه شرح دهد ،معه نی نکوی ترا

شرح دوییت یک غزل حضرت بیدل (رح)

(۱)آنسوی ظلمت ،به غیر از نور نتوان یافتن

روی بر مولاست، هرکس پشت بر دنیا کند

در ظلمت: تاریکی (شب)/ با جهل: نادانی./هزاران جنایت و دهشت و وحشت برپا میگردد

با نور: دانش / روشنایی/ شناختن (معرفت)./ چنانیکه در نور آفتاب روز همه جا روشن میگردد و هیچ بیشه و گوشه پنهان نمی ماند. (درطریقت تصوف انواری که سالک طریق لقاء الله در خواب یا بیداری مشاهده میکند.)

پشت بر دنیا نمودن: بعد تهیه وسایل وخوراک و پوشاک عیش در خور شأن انسانی؛ پشت نمودن با هر گونه سرمایه و اسباب خوراک و پوشاک و دیگر وسایل آرامش خانواده ؛ گفتار، کردار و و و بگونه اسراف آمیز وازهرچیزی که درقرآن شریف به حرام بودندش دستور است دوری جستن؛ کار پرهیزگاران خدا پرست است.

از دیدگاه من حضرت ابوالمعانی بیدل (رح) مفاد این آیات زیر را در همین دوییت در کوزه نموده:اللهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَی التُّور....
الخ ۲۵۷﴿سورهٔ البقره.

خدا یار مومنان است که آنها را از تاریکی ها بروشنائی می آورد و آنانکه کافر شدند یار آنها بتها هستند که خداوند آنها را از روشنائی بتاریکی ها می بُرد و ایشان آتشیان اند. (۲۵۷) سوره بقره- کشف الاسرار.

اللهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمَشْكَاةٍ....
الخ ۳۵﴿

خداوند روشن دارنده آسمانها و زمین است، صفت نور او(در دل مومن) مانند قندیلی است که در آن چراغی است و آن چراغ،در آبگینه ایست که گویی ستاره ای درخشانی است، که آتش آن قندیل از روغن درخت زیتون برکت کرده افروخته می شود که نه همه خاوری است(که هنگام فرو رفتن آب روشنی نبیند) و نه همه باختری است (که هنگام بالا آمدن آفتاب بامداد روشنی نبیند) (یعنی همه وقت روشن است) نزدیک است که روغن (از زیادی صافی) بدرخشد هرحندآتش به آن روغن نرسد! این روشنایی آتش علاوه بروشنایی روغن است! خداوندهرکرا خواهد به نورخودراه می نماید، و برای مردمان مثالهای زند و خداوند به هرچیزی داناست (۳۵) کشف الاسرار

که در مسکوبود فرستاد واشک غم وحسرت به چشم پدردورافتاده جاری ساخت.

وقتی من این سطوررامی نویسم یادم ازرودزیبایی بهاری خدیجه (خانم پروین) میآید که دریک رادیو درام نوشتهٔ مرحوم کاکایم استادعبدالرشید لطیفی دراماتیست وژورنالیست شهیروقت زیرعنوان (دخترگل فروش) از امواج رادیوکابل چنین میسرود : گل فروشم ز من گلی بخرید یک دو سه دسته سنبلی بخرید گل فروشی چو خودفروشی نیست در بهاران غنچه گل بخرید مولف محترم آقای نوری درقسمتی از زندگینامهٔ شیون کابلی یادآورمیشود که شیون یکی ازطرفداران سرسخت حرکت مشروطه خواهان افغانستان بود، هم چنان وی ازشیفتگان اعلیحضرت امان الله خان بود وتجدد خواهی ونوآوری های او را به دیدهٔ قدر نگریسته واو رابحث پیشوا ورهبرخود میدانست. شیون کابلی سخت طرفدارنهضت وتعالی زن درجامعهٔ افغانستان بودو دراین راه نقش عمدهٔ رابدوش گرفته بود.

معرفی مختصر کتاب مفصل وارزشمند «شیون کابلی «راباآرزوی خوشنودی مولف گرامی ولی احمدنوری باذکریک قطعه شعراستاد خلیل الله خلیلی (رح) درفراق شیون کابلی به پایان میرسانم :

کنم باز از جور ایّام شیون که بی رویت امروز شد شام، شیون اگر باسلامی نکردی دلم شاد کنون شاد سازش به دشنام، شیون به دشنام آزادگان رنجه بهتر نه از سقله مردم به انعام شیون درین شهربرمن حرام است بیتو که نوشم به شادی می ازجام شیون درین باغ بیتو گناهست دیدن به گلهای نغز دل آرام شیون بیاد تو پرواز کردم درین راه جوشهباز برجسته ازبام شیون برآن عزم بودم که در روزاول ستانم ز دیدار تو کام شیون نثارت کنم آن قدر لاله و گل که گردی سراپا گل اندام شیون گل اندام گردی به پیری که بودی به فصل جوانی گل اندام شیون بجسم چنان درتو ازشوق وشادی که چسپد الف در الف لام شیون چه کردم که ازمن نگیری سراغی نجاتم ده از شک وایهام شیون رهٔ کوی تو جستم اهره که دیدم چه ازخاص شیون چه ازعام شیون توشب ها کجایی، سحرها کجایی؟ به مهر که دادی دلت وام شیون زمخلص میوش آن غزالی که کرده دل مهرجوی ترا رام شیون مپوش ازمن آن چشم مستی که بنهاد به لرزنده دستان تو جام شیون/

فریمونت، کالیفورنیا

چنانچه در آیه دیگرسوره محمد می‌فرماید: ذلکَ بَأَنَّ اللهَ مَوْلىَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ أَنَّ الْکَافِرِینَ لَا مَوْلىَ لَهُمْ (۱۱)
آن (سرانجام)باین سبب است که خداوند یارمؤمنان است؛ اما کافران (کسانی که فهمیده به آیات قرآن پشت نموده اند) یار ندارند! (۱۱) سورهٔ محمد. کشف الاسرار

«لَا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا کَسَبَتْ وَ عَلَیْهَا مَا اکْتَسَبَتْ
الخ(۲۸۶)»(بر هیچ نفسی تکلیفی نهاده نشده مگر باندازه ای توان آن، هرچه نیکی کند به سود او، و آنچه بدی کند به زیان اوست، خدایا مارا به گناه مگیر، اگر فراموش کنیم یا خطایی کنیم،خدایا برما گران باری روا مدار آنگونه که بر پیشینیان رواداشتی و بر ایشان نهادی، خداوندا بر مانمه آنچه مارا توان آن نیست و مارا ببخش و بیآمرز مارا، و رحم کن. تو خدای مائی، مارا یاری ده بر گروه کافران. سوره بقره - کشف الاسرار

کافر در لغت، از ریشه «کُفر «به معنای آگاهی نداشتن و انکار یک چیز، یا از ریشه «کُفر «به معنای پوشش است.

القوم الکافرین: مایان که آیات قرآن کریم را میخوانیم و میدانیم؛ اما هرچیزی که درقرآن شریف نهی شده مانند: شریک دانستن به خدا، بی باوری به پیامبری حضرت محمد(ص)، زنده شدن بعد مرگ،ندادن حق میراث به فرزندان دختری و همسر، خوردن حق بیوه و یتیم، همسایه و خدمتگاروو همچنان دروغ گفتن، بهتان و تهمت بستن، پشت سرگویی، دست برد در بیت المال، رشوت دادن و گرفتن، زنا و لواط نمودن؛ ناراست را راست گفتن ودیدن و و و مییاشد با آنکه میدانیم نارواو ناشایست است، مرتکب می شویم پس ما همانند پیشینیان داخل قوم نادانان (جاهل) و منکران حق(کافرین) می گردیم.

در اصطلاح فقهی، کافر به کسی گفته می‌شود که دین اسلام یا یکی از دستورات (امر و نهی) آن را نپذیرد. بنابراین، هم کسی که پیرو هیچ دینی نبوده، مانند دهری‌ها، یا پیرو دین دیگری است، مانند مسیحیان و یهودیان، کافر نامیده می‌شود و هم مسلمانی که یکی از دستورات اسلام را انکار کند.

جان گپ حضرت ابوالمعانی جهاد اکبر (بانفس) است. نفس آدمی که سه لایه (حیوانی، انسانی، الهی) دارد را باید به مرحله نهایی برسانیم.

معانی و مدارج نفس:۱،حقیقت هر چیز.۲. جان.۳. [قدیمی] تن؛ جسد؛ شخص انسان.۴. [قدیمی] خون.
﴿ نفس اماره بسؤ: نفس شیطانی که انسان را به هواوهوس وکارهای ناشایسته وامی‌دارد.
﴿ نفس لوامه: [قدیمی] نفس ملامت‌کننده که انسان را از ارتکاب کارهای ناپسند ملامت می‌کند و از کردار زشت باز می‌دارد.
﴿ نفس مطمئنه: قوهٔ روحانی که خاص پیغمبران و پیشوایان دین و زاهدان وپرهیزکاران است؛ وجدان آرام.
﴿ نفس ناطقه: نفس ناطق؛ نفس انسانی /.
فرهنگهای قرعانی، المنجد، دهخدا و عمید.

وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ..
الخ ۵۳﴿من خویشتن را میرا از از گناه نمی‌ دانم، و بدانم که تن آدمی گنهگار(بی نهایت) بدفرما و بد آموز است، مگر آنکه خداوند مرا ببخشاید و نگه دارد، که خداوند من عیب پوش و آمرزنده و بخشاینده و مهربان است. (۵۳) سورهٔ یوسف. کشف الاسرار
يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ۖ۲۷﴿ای نفس آرمیده و دل بر یقین (۲۷)

نفس مطمئنه، نفس آدمیست که باور استوار(ایمان یقین) به خدا دارد و به قضاء الهی راضی و دلش آرام به آرامش یقین است و هیچ شک و تردید در آن نیستارجمعی اِلَی رَبِّکَ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً ۲۸﴿ بازگرد بسوی خدای خویش،باداش گرفتهٔ و کردار خود پسندیده و، خداوند از تو پسندیده (۲۸)

فَادْخُلِیْ فِی عِبَادِی ۲۹﴿ و در میان بندگان من درآی (۲۹)وَادْخُلِیْ جَنَّتِی ۳۰﴿ ودربهشت من درآی (۳۰)
{ای نفس (باوجدان) آرمیده}
سورهٔ الفجر – کشف الاسرار

از تعلق رستن، آسان نیست بی سعی جنون
بر نمی‌آید به زور، خار دامنگیر شرم
خلق غافل را، همین با پوشش افتاده است کار
کاش این تدبیرها را، باشد از تقدیر شرم
مفت رندان گر تکلفها نباشد، سد راه
بی ازار افتاده است از هند، تا کشمیر شرم

بیدل! آن قرآن که ما، درس حضورش خوانده‌ایم

متن آیاتش تحیر دارد و، تفسیر شرم.

رَبَّنَا عَلَیْکَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَیْکَ أَنْتَبْنَا وَإِلَیْکَ الْمَصِیرُ ۴۰﴿خداوندایه تو توکل میکنیم، و به تو باز میگردیم. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِینَ کَفَرُوا وَافْعَلْ لَّنَا رَبَّنَا إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ ۵۵﴿

پرورد گارا! مارا آشوبگر (شک و گمان افزودن) کافران مکن ومارایبآمرز وتویی آن عزیزی که کسی باتو نتاود(ص۷)

رحیم شنسب دالاس ، تکزاس **کودکان قربانی بزرگ تاریخ معاصر افغانستان** جنگهای چهل ساله مصیبت بزرگ و سبب تخریب نهادهای مادی و معنوی کشور بوده پیامد های آن تا صد سال دیگر تداوم خواهد داشت ، غنای واقعی کشور ها قوهه بشری آنست وهمین قوهه انسانی توانا و رسالتمند تاریخ ساز ،و عامل قدرت،قوت ،ثروت وترقی است .

با تأسف که شرایط امروز کشور از داشتن نسل فردای رسالتمند و سالم ماراً بی نصیب میکندوضعیت امروزی کودکان ونوباوگان در افغانستان قابل تشویش بود واست ، باید یادآورشدکه بالاخره قدم مثبتی در عرصه حفاظت ازحقوق و حمایهء کودکان تسوید،و ِإنفاذ قانون مربوط قدمی برداشته شد واین قانون قبلا به فرمان تقنینی مرعی الأجراء شد و برای تأیید به پارلمان ِإرجاع شده بود ، متأسفانه پارلمان یا همان ولسی جرگه مدتها از بحث و ِإنفاذ این قانون طفره رفت زیرا به مذاق وسلیقه ء بنیاد گرایان و عقبگرایان برابر نبود ، این قانون با فرمان تقنینی ریاست جمهور نافذ شد ، از آنجائیکه بر طبق موازین قانون اساسی تایید پارلمان را متقاضی بود پارلمان بعد از غور و بحث های زیادعلی رغم مقاومت عقبگرایان ، توانست قانون را در جلسهء ۳۰ قوس تأیید کند اما این مقاومت ها کار خود را کرد و قانون نافذ شده دوباره توسط پارلمان باطل شد. این خلاصهء ماجراء از رویداد ِإنفاذ و ابطال این قانون بود که از طریق اخبار مطلع شده ام

ترقی های عالم رو به بالاست ما از بلایه پائین می ترقیم جهان ، عربستان سعودی را کشور ی با قوانین و کلچر عقبگرا ومحافظ کار می شناختند ، درین کشور سالانه پنجهزارازدواج دختران زیر سن صورت می گیرد ،درعربستان سعودی، پس از جنجالی که ازدواج دختری هشت ساله با مردی ۶۰ ساله در این کشور به وجود آمدقصد کردندتا قانون ازدواج خرد سالان را تغییر دهند . قوانین سعودی اخیراً سن ازدواج و رسیدن به سن رشد را ۱۸ سال تثبیت کرد، حالاً بیائید واز افغانستان بشنوید که با وصف ِإنفاذ قانون نو که سن رشد و سن ازدواج را برای دختران ۱۸سال تعین کرده ولی جمعیتی از عقبگرایان خلاف اقتضاءات عصر وزمان و نظر داشت روحیهء حقوق بشری و دلسوزی به حقاولاد وطن واولاد خود مخالف تعیین سن معینه برای حدود سن رشد ، ازدواج و پذیرش مسئولیت های مدنی و جنائی اندو به گفتهء یکی از ملاهای دیپلومدار که چندی بیش فتوا داده بود و نکاح دختر چهار ساله را هم شرعاً جائز شمرد !

کشته وزحی شدن هزاران طفل کشور درجنگهای تروریستهای وحشی ، و درنتیجهٔ فعالیتهای نظامی ، اشتغال هزاران طفل به کار های شاقه، دور بودن ملیونی أطفال از موهبت درس و تعلیم ، استخدام خردسالان درصوف جنگندگان ، گروگانگیری واختطاف أطفال ، تجاوزجنسی برأطفال حتی درمساجد و مدارس دینی وحشت آورترین اخبار رویدادهای قرن بیست ویک است .به گزارش خبرگزاری رویدادروز، بربنیاد آمارهای که در گزارش تازه سازمان ملل ارایه شده نزدیک به ۳۵۰۰ کودک کشته و بیشتر از ۱۹۰۰۰ تن درین سه سال اخیر زخم برداشته اند. کودکان نزدیک به ۳۰ درصد کل تلفات غیرنظامی در اینکشور را تشکیل می دهند.

گزارش اسپوتنیک به نقل از تلویزیون یک، صندوق جهانی حمایت از کودکان (یونیسف) گزارش داده که کم از کم ۸۷۰ هزار کودک زیر پنج سال در نتیجه بحران از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ در ده کشور بحرانی جهانی به‌شمول افغانستان، کشته شده اند. این شمار بیشتر از ۱۷۵ هزار تلفات نظامی در زمان مشابه است.

طالبان وحشی ضد فرهنگ و انسانیت اخیراً (۳۰) مکتب دخترانه را تنها درولایت سرپل مسدود کردند(این یک نمونهٔ کوچک ازتخریبات حریق و انسداد هزاران مکتب درین سالها در افغانستان است)

در هجده سال گذشته، میلیاردها دالر به نام بازسازی و کمک به توسعه‌ی افغانستان، توسط دولت و نهادهای خارجیبه مصرف رسید. نتیجه‌ی آن سرمایه‌دار شدن کسانی شد که عامل عقب‌ماندگی و تداوم جنگ استند. کسانی که به‌عنوان‌رهبران سیاسی و قومی نقش بازی می‌کنند و یا کسانی که در ارگ نشسته‌اند و با سیاست نادرست حکومت می‌کنند.

مخالفت عناصررتجاعی باراول نیست که اکنون در مقابل یک قانون ضروری ، انسانی و حیاتی برای حفظ و حمایهءحقوق کودکان کشور جبههء می گیرند درلویه جرگه سال ۱۹۲۴ پغمان که غرض بحث و تصویب قانون اساسی دایر گردید مخالفتهای نورالمشایخ مجددی فضای لویه جرگه را مغشوش ساخت و با قوانین ممانعت ازدواج أطفال مخالفت کرد و قوانین مذکور تصویب شده نتوانست !

درین صد سال جهان بکجا رسید و ما بیشتر و بیشتر به عقب روانیم مطابق به احصایه های ملل متحد در طول یک دهه گذشته هر روز ۴۵ مورد تجاوز به حقوق کودکان رخ داده است. از آنجمله ۹ طفل روزانه در کشور کشته یا زخمی می شوند .گزارش یونیسف

می‌افزاید که حتی همین رقم هم شاید تنها نوک کوه یخ باشد، چرا که گمان می‌رود هزاران مورد از حملات بر علیه کودکان در بی‌خبری انجام شده باشد.

آمار نشان می‌دهد که در حدود ۶٫۹ میلیون کودک آواره جنگی در سراسر اروپا و آسیا زمستان را در پناهگاه‌های موقت سپری خواهند کرد. در مورد أطفال گرسنه،جنگ زده ، بی سرپناه ،تحت تجاوز جنسی ،کار شاقه، محروم درس و تعلیم ،اسیر ازدواج اجباری ، معروض در خطر جنگها وغیره مربوط به کشور ما افغانستان بهترست هیچ مپرسید !

یک مسؤل ادارهء کار و امور اجتماعی در کابل می گوید : (۴۴) درصد کودکان به مکتب دسترسی ندارند. اراقامی که مادریم شش میلیون کودک، سخت در معرض خطر وجود دارد که وضع سه میلیون آن خیلی نگران‌کننده است و در یک وضعیت اضطرار قرار دارند.از کودکان دارای معلولیت جسمی و ذهنی در کشور از کدام أمار و چه نوع تدابیر حمایتی برای تان صحبت کنیم؟ عناصر پس رو در مقابل تصویب قانون جدید قد علم کرده اند در حالیکه در طرح قانون حمایت از کودکان، برای نخستین بار برای عاملان بچه بازی مجازات در نظر گرفته شده‌است.قانون مذکور سال گذشته به فرمان تقنینی توشح و نافذ شده بود اعضای مجلس در ۱۸ قوس این قانون را تصویبکردند؛ اما در نشست عمومی ۳۰ قوس دوباره بی‌اعتبار اعلام شد.

از آخرین خبرمینی بر تجاوز معلمین مدرسهء دینی در بادغیس بالای دخترک ۸ ساله خبر شدید؟
ازین تجاوزات جنسی در مکاتب ، در مدرسه ها و مسجد ها برایتان صد ها خبر و إحصائیه را می توان به ارقام و ثبوت اریه کنم (آخرین اخبار از کودکان مدرسه ها و مکتب ها در ولایت لوگر حکایات تلخ دارد)

مطالب پیرامون ظلم، تجاوز جنسی ، سوء استفاده ، محرومیت حقوق تعلیم ، کار اجباری ، ازدواج اجباری بالای أطفالاستفاده از أطفال در جنگها وغیره مصیبت ها که کودکان یا نسل آیندهء بشریت و کشور افغانستان به این فاجعهء معروض اند هر چند بنویسیم و بگوییم بازهم کم است .

قابل یاد آورِست که سفیران کشورهای فنلند، ناروی ، سویدن ، دنمارک و هالنددر افغانستان ضمن دیدار شان با معاون رئیس جمهور نگرانی شان از عدم تصویب قانون حمایت از حقوق اطفال ابراز نمودند.

امیدوارم تااصلی ترین ، مهمترین مسئله که حراست،حفاظت و حمایت حقوق کودکان و نسل آینده و امید کشور اندنباید قربانی جهل و تعصب شود. جای خوشیست که عدهٔ ازهموطنان بادرد و آگاه در مورد این معضله صدابند کرده اند حتی فراخوان نام نویسی امضای پیشنهادی را به نشر رسانیده اند تاباشدچند عنصر ی که خود را تیکه دار شریعت می دانند ولی از همین دین و شریعت خود کوچکترین علمیت و فهم لازم ندارندمانع رفع معضلهء این مسئلهء حیاتی نسل های آیندهء کشور نشوند.

نوشتهٔ ازمحترم بشیرانصاری اندرین زمینه چنین است :دفاع از حقوق بشر به صورت عام و از حقوق کودک به صورت خاص یک وجبیهءدینی و اخلاقی است. در مورد تعیین سن دقیق کودک و نیز زمان پایان دوره کودکی در نصوص معتبردینی یعنی قرآن مجید و احادیث قطعی الثبوت و قطعی الدلاله نبوی حکم صریحی وجود ندارد، و به همین علت اینموضوع در میان فقهای بزرگ اسلام محل اختلاف واقع شده است واز سن ۹ سالگی تا سن ۱۹ سالگی طرفدارانی داشته است.مشهورترین چهره فقهی برجسته تاریخ اسلام حضرت امام اعظم ابوحنیفه، از پرچمداران بزرگ عقلانیت دینی، از جمله کسانی است که سن ۱۸ و یا ۱۹ را سن تکمیل کودکی و ورود به بزرگسالی دانسته‌اند. شمس الاثمه سرخسی می گوید: ﷺوَأما بلوغهما بالنس فقدر أبوحنیفه رحمه الله تعالى فی الجاریهٔ بسع عشرة سنة وفى الغلام بسع عشرة سنة وفى کتاب الوکالة ذکر فی الغلام ثمان عشرة سنة..ﷺ(المبسوط، ج ۶، ص ۵۳، چاپ دارالمعرفه، بیروت) ترجمه: امادرباطه به بلوغ دختر وپسربربنای سن،ابو حنیفه درقسمت دختر آنرا۱۷ سال ودر قسمت پسر ۱۹ سال تخمین نموده و در کتاب (وکاله) در قسمت پسر۱۸ سال ذکر کرده است.ﷺ

در این دیدگاه تنها به ظاهر برخی روایات اکتفا نشده و نیز برخی تغییرات عضوی و فیزیولوژیک مبنای تکمیل دوره کودکی دانسته نشده است، بلکه پختگی متکامل و همه جانبه شخصیت انسان درابعاد جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و تعلیمی معیارقرار گرفته است. این دیدگاه با یافته‌های علوم معتبر امروزی مانند روانشناسی،جامعه شناسی، بیولوژی، فیزیولوژی، و نورولوژی، و همچنان یافته‌های علوم تربیتی و فلسفه اخلاق هم‌خوانی دارد.از همین روست که کنوانسیون‌های بین المللی، به صرف نظر از تفاوت فرهنگ‌ها و مذاهب در این باب، سن ۱۸ را مرزکودکی و بزرگسالی تعیین کرده‌اند. اغلب کشورهای جهان و بسیاری ازکشور (ص ۷)

داکتر محمدحیدر

سابق مدرس درفاکولتهٔ حقوق وعلوم سیاسی کابل

عرض شکران به دوستان

به کوشان عزیز ومحترمه داکترصاحبه خانم شان، ازبرادر

عزیز و محترم آقای قوی کوشان(اسمای واقعاً بامسما!)، مبارزصف اول نشرات آزاد چه درقرن گذشته وجه دراین سده، که به این خادم صدیق معارف وطنم درشماره ۱۰۴۵ امید جملات افتخارآور فرموده است، ابرازممنونیت مینمایم وهمچنین دعاوشادباش به محترمه داکتر صاحب خانم محترم قوی جان که درجهت تنویر ذهن وطنداران کشور ماشانه به شانه باشوهرشان کوشان اند !

بیست ونهمین سال امید، که عنقریب خواهدبود، مبارک به شما جوړهٔ واقعا مبارز و به همه هواخواهان امید، جور باشید والسلام

وهم جنین به جناب داکترصاحب شهرانی از کلمات والفاظ نهایت دوستانهٔ که دوست عزیزالقدرم پروفیسرداکترعنایت الله شهرانی درمقالهٔ تحت عنوان استاد داکترمحمدحیدر درخصوص کلمهٔ افغان چه می فرماید؟ به این مخلص درشمارهٔ ۱۰۶۲نشریهٔ محترم امید مکررا ابرازداشته اند نهایت شکرگزارم وبنده نیزبه جناب داکترصاحب اخلاص همیشگی واحترام کامل خویش راتقدیم میدارم، آرزو دارم تاآن مشفق دورافتاده ودوست ایام پار باخوشی ومسرت بسر برند!

دوست گرامی آقای شهرانی چنین میفرمایند:
مقالهٔ پرمحتوای شان(مقالهٔ این جانب) را اولا باتردید وشک مطالعه کردم ولی چون به اتمام رسانیدم دانستم که منظوراستاد بازهم به معنای اتحاد، برابری، یکرنگی وهماآهنگ ساختن جامعهٔ کثیرالملتی(افغانستان) میباشد. داکترمحمدحیدر باآوردن مثالهای زیاد درخصوص کلمهٔ افغان که بایدتبعهٔ افغانستان خودرا بگویند، طرفداری میکن و طرفدار آن میباشدکه مردم افغانستان خودرا افغان بگویند، عیبی ندارد. هدف استاد همآنگی هموطنی است وبس . بلی به یقین که استادشهرانی ازمقاله ام برداشت برحق داشته ودرک صحیح نموده است. منظوراینجانب درین مقاله، البته مثل همیش، چنین بوده وخواهدبود.

جناب داکترشهرانی درهمین شماره ازفدرالی ساختن افغانستان هم مقاله دارند ودلایلی هم ارائه کرده اند، به داکترمحترم بعرض میرسانم که قریب بیست و چندسال قبل، بگمان اغلب در سال اول یادوم نشراتی همین نشریهٔ محترم امید تحت عنوان(چه نوع دولت) در ردنظریهٔ فدرالیسم نوشته بودم که واقعات از آن زمان تا حال نظرم رادرباره پیوسته تایید وتقویت نموده است. اگربرادر مشفق وگرامی جناب کوشان خواسته باشد میتواند قسما یاکل آن مقاله را مجددا بااین نوشته نشرفرماید.

بهرحال این مخلص چه بیست واندسال قبل وجه امروز با فدرالیسم کدام مخالفت قطعی نداشته وندارم، کاملا آگاهی دارم که افغانستان تقریباجمع بزرگی از کشورهای جهان طبیعت، زمینه و خصلت فدرال شدن دارد، اماجهت تحقق چنین یک ساختارسیاسی باید قبلا شرایط اجتماعی، فرهنگی وشعور سیاسی کافی درکشور خلق شده باشد. حلال مشکلات کشورما درحال حاضر ساختارفدرال بوده نمی تواند وفکرمیکنم که فدرالیسم درحال حاضرنسخهٔ مجرب برای مانخواهد بود. می ترسم که پیاده کردن سیستم فدرال ضربهٔ نهایی به پیکرزخم خوردهٔ افغانستان گردد!

تعیین کنندۀ سرنوشت انسان بازهم خودانسان است:(ان الله یایغیرما بقوم حتی یغیرو ما بانفسهم). فعلا وطن مابه یکتعداد انسانهای آگاه باضمیر وآراسته با فرهنگ معاصرضرورت داردنه به روشنفکران قلابی، بی وجدان وعوام فریب! قانون اساسی مایکی ازبهترین درمنطقه است که بایداداز آن پاسداری نمود. آزادی بیان درافغانستان رشک بساکشورهایشده است که جهت نگهداری آن باید دریک صف ایستاد. عناصر آگاه وطنم وظیفه وجدانی دارندتادست اتفاق بهم دهند وجهت دفاع ازآزادیهای دموکراتیک شان، عراقیها، ایرانیها وتونسی ها به قربانی های نهایی آماده باشند.

سلام وجورباشی وطندار ! /

پاسداری از زبان مادری (دنباله ازصفحهٔ پنج))

ویکتور هوگو گفته پنجاه سالگی جوانی دورهٔ پیری است که عقل وایمان و ادبش روبه تکامل میباشد. زندگی تراژیدی است برای کسی که احساس دارد و کمیدی است برای آنکه می اندیشد. بلی کردم زعقل سثوالی که مگرایمان چیست/ عقل برگوش دلم گفت که ایمان ادب است!

آدمیزاد اگرپی ادب است آدم نیست، فرق بین بنی آدم وحیوان ادب است، بلی منتظر نباش کسی برای گل بیاورد، خاک را زیر وروکن بذریکار، از آن مراقبت کن، گل خواهدداد .

دربخش بعدی دربارهٔ یک شخصیت ملی و جهانی یعنی محمدماتیر صدراعظم مالیزیاeryاضی دارم.)/(ادامه دارد)

مشتاق احمد کریم نوری شمال کالیفورنیا **پاسداشت زبان مادری و حرمت فرهنگما مورد تاکید وتاَیدممل متحد ویونسکو** (بخش ۲۱):
باشروع سال جدیدعیسوی ۲۰۲۰ درحقیقت دودهۀ قرن دارد می گذرد، وتکنالوژی جدید ونوین ومعلوماتی دردنیای دیجتالی و مونوکلتور روز تاروز باپیشرویهاو نوسانات بزرگ و عظیمی همراه است، وکشورهاوملتها با اتخاذ تصامیم صحیح ودرست راههای خودرا درمی یابند وبه مدارج عالی خود رامیرسانند. حکومت هاودولتها هم روزتاروزباروشها، اصول وضوابط واسلوب نووتازه خود را وفق میدهند. انتخابات مینمایند، لاجرم نتایج رااعلان میکنند، زمانی که کوتاه آمدند ومقصرشناخته شدند، بدون تعلل استعفا می دهند، معذرت میخاوهند.

درهمین تازگیها سوسیال دموکراتها دخترخانمی را که جوانترین صدراعظم تاریخ کشورشان فنلند میباشد برگزیدند. بلی سانامارین ۳۴ساله رابه نخست وزیری برگزیدند. (باشکه لومری وزیرهم نوشته کم اگی نه یگانی که کار شان بدون مسلکی بودن ترمینولوژی شناسی شده، سره وناسره مینمایند، اصل نوشته رارها نموده که چرا نخست وزیرنوشتی، به ای خاطر ایجاب میکنه که بایدنوشت: صدراعظم، نخست وزیر، لومری وزیر، وزیراعظم، وزیرارشد، رئیس شورای وزیران، رئیس الوزرا، پرایم منستر...)خانم مارین که وزیر ترانسپورت فنلندبود ازابتدای سال ۲۰۲۰ مسئولیت جدیدش رایدوش میگبرد. شایان یادآورِست که آنتی رینه صدراعظم سابق درماه دسمبربعدازآنکه (سنترپارتی) حزب مرکزفنلنداخبارنمودوز عملکرد وی درنحوۀ برخورد و مواجهه باکارمندان بخش پست و مخابرات که راضی نیستند وهیئت شورای وزیران وبخشهایی از کارمندن ومردم راضی نیستند واعتمادشان ازوی زدوده شده، بدون معطلی استعفا نمود، سوسیال دموکراتهاوینچ حزب ائتلافی همراهش بدون معامله ومجادله روی این گزینۀ جوان تاکید وتایید وترکیز نمودند.

اما وای به حال ما که افراد ناصالحی درمادروطن پروریده شدند که دیدگاه شان اینست که سهم هزاره برابرینی اش باشد! حتی سخیفتر ازآن به کارخدا (ج)هم میخواهند دست بزنند. که خدا این کاررا در قسمت بینی روا ندانسته به قشری ! چه دنیایی است! یکی ناکامورا میشود که حتی سرحدات ومرزهارابه رسمیت نمیشناسد ومشتاقانه وصادقانه وعادلانه برای انسان وانسانیت کوشش وتلاش میورزد، و دیگری آدم نمایی بنام تنویر درلحاف بیمارقومیت می پیچد واز محدوده وچارچوب قومی وسمتی بیرون نمیشود. دونفریاانسان با تفاوت اینکه یکی فرشته دیگری ابلیس که بزبان خود، خودرا شاگرد ابلیستر از خودش، محمدگل مومند محسوب مینماید که نظریه پردازی مینمود سردیگر اقوام را جت کنبد ومالش راتاراج ! آنان وحدت ملی وهویتهای قومی رااین گونه تعریف وتوجیه مینمایند، و نفاق ملی راقمچین می نمایند، برطبل خشونت میکوبند وبه کساد ی بازار جنوساید، فاشیسم وبرتری جویی وتبعیضی نژادی میپردازند، که تبانی برای زدودن اقوام وار تکاب نسل کشی وقوم زدایی genocideمطابق بند ب مادهٔ سوم اصل کنوانسیون محوخشونت ومنع نسل زدایی محکوم میشوند وباید مجازات شوند.

طوریکه تذکردادم، ملتها به کجاهارسیده روان اند وما اندرخم یک کوچه، مضحکۀ بنام انتخابات همانست که بود وسرنخ آن اگرتابن بررسی شود که چطوربه بن بست در بن مواجه شد که ۱۱ رای استادسیرت درمقابل ۲رای کرزی بود! حامد کرزی که اساس وتهداب آن بازمه غلط وکج نهاده شده بود دراصل وحقیقت همواره درهرموضوعی کودتا جریان داشت ودارد ودرواقع طینت ظالم همان ظلم است وتشت رسوایی شان هرروزازبام می افتد.

نیشتر از رگ گر شود فارغ به دبل می زند (بیدل) تنها کسی که قلبت رانخواهد شکست همان کیست که آنرا ساخته است، و این ملت درد دیدهٔ مان همواره به خداتکیه نمود و خداوند(ج) انشاءالله کمک شان مینماید، ولی بایددانست ومتوجه بود که خداوندحال مردمی را که در پی تغییروتقویۀ همدیگرخود نمی باشند ونیستند تغییر نمی دهد. اگرعقیدۀ راسخ و ایمان جازم موجودباشد بایدبه قانون وعدالت الهی چنگ زدورهنمونهای قرآن پرجلال را ازدل وجان ووجدان مدنظر گرفت، که فرموده ولقد کرمانبی آدم، به بنی آدم کرامت بخشیدم، ببین ونظر کن. ان اکرمکم ... بهترین شماپرهیز کارترین شماسـت، هیچ عربی رابرعجمی برتری نیست مگر به تقوا !

پس خداوندا ! به درگاهت صادقانه وخالصانه دعا والتجا میکنیم که به راه راست ومستقیم هدایت مان فرما، راهی را که انعام فرموده یی وپس از انعام موردنفرین ولعتت توقرارنگرفته اند، وبه پرتگاه تعصب وباتلاق تبعیض قرار نگرفته باشند.

منزجرکننده است که مدیردستگاه دیپلماسی کشوراز پیشرفت زمان و روند زمانه واقف نیست وحتی ازدنیای دیپلماسی بی بهره و کم تجربه که نمیداند بانرمی سخن گفت وباجسارت بایدعمل نمود. اوبعوض اینکه به ارتقای سویه خود ووزارت ودستگاه خود بیردازد وراه وروش ومنش(محمدگلی) رابه زباله دان تاریخ دفن کند، درمکتوب رسمی درجاهایی که شهرداری و شهردار بکار رفته، روی آن خط کشیده وهای لایت کرده که بعدازاصلاح جاهای نشانی شده غرض اخدامضا ارسال گردد!

نصیراحمد رازی سدنی ، آسترالیا **دریچۀ به نثر پیشینیان**

نکته ها: بقراط درکتاب آداب معاشرت گوید: بگذاریکی ازشاگردانت بدون اکراه جهت اجرای تعالیم ومباشرت درمان، تصدی بیمار رابرعهده گیرد . کسانیکه به اسرار ورموز فن وقوف دارد برگزین، تاهرچیزلازم رابیفزایند و درمان رابا اطمینان بکاریندند. همچنین باید ازچیزهایی که درفواصل بین بازدید هارخ داده است وازنظرمیگذرند، پیشگیری نمایند.

طیب خوب می بایست درآمد کافی داشته باشد تابتواند درمحلِی ممتاز که مجهزه اثاثیه ولوازم باشد، زندگی نمایدوغذای سالم ولباس کافری واسپان تیزرو داشته باشد. داشتن یک اسپ تندرو برای طیب ازواجبات بوده است، زیرا بدون استعانت از آن نمی توانسته به عیادت بیماران برود، مخصوصا اگر محل بیمار دوراز محل بیمار دورازخانهٔ طیب باشد.

طیب می بایست پیوسته مجهز به مقدار کافی دارو ولوازم جراحی باشد. در اوستا آمده است طیب باید درمواقع ضروری هرروز بیمارا عیادت نمایدوبه جای خدمت او به طیب غذای خوب وخانۀ عالی واسپ تندرو داده شود.

بقراط میگوید: ۱/ زن وفرزندخودرا ازتحصیل علم باز مدارتاغم وانده به تو نرسد وپشیمان نشوی – ۲/ بامست هم خوراک مشو – ۳/حضورداشتمندان را گرامی دارد واز ایشان سؤال کن وجواب بشو – ۴/ کسی رافریب مده تا دردمند نشوی – ۵/ با زن فرزانهٔ شرمگین عروسی کن واو رادوست بدار – ۶/ اگر تو رافرزندی باشد به مدرسه بفرت و به تحصیل علم بگمار زیراعلم و دانش چشم روشن است – ۷/ زن دیگری رافریب مده که روانت گناهکار نگردد – ۸/ تندوعصبی مباش زیرا مردعصبی چون آتش است که اگر در بیشه برافروزد تروخشک راباهم بسوزد – ۹/سرخیزباش تا کارخودرا به نیکی به انجام رسانی – ۱۰/ بهترین بخشش هاتعلیم وتربیت مردم است زیرا مال و مکت زوال پذیرد وچهارپایان بمیرند، ولی دانش وتربیت باقی ماند – ۱۱/ اگرچه افسون مار خوب بدانی ولی دست به مار مزن تا تورانگزد ونمیری – ۱۲/ مردم دارای همان خوبی هستند که ازشمان شیرخوارگی خود کسب نموده اند – ۱۳/ خوراک زیاد مخور – ۱۴/ ازهر خوراک مخور وزود به مجلس عیش بزرگان مرو که پسندیده نیست .

دربندش آمده است: هورمزد به زن فرمود که تو آفریده شده ای تامردان پهلوان وپارسا رابوجودآوری، درآغوش پرازمهر وعطوفت مادرانه ات پیروانی تاآنکه به توسط آنان ریشۀ دشمن حقیقت وناپاکی ازدنیا برانداخته شود. ای زن هرچند که دشمن ناموس وپرهیزکاری برای گمراهی تو کوشا است امامن که هورمزد هستم تواناترین توانایانم برای نگهدانی تو پاسدارانی میگمارم تا اززاییدن فرزندان پاک تو دنیا ازبدان پاک وحقیقت خداوندی من به بهترین وجه آشکا شود. (ازتاریخ طب، داکتر محمود نجم آبادی)

ابن سیناگفت: بایدخدای بزرگ آغازوانجام اندیشۀ تووپنهان و آشکار توباشد، چشم جانت به دیدار او روشن سعی قدمت به سوی او گردد تاهمواره دربرابراقرارگیری وآینهای بزرگ اورا بنگری .

بقراط گفت: شاگرد طب باید آزاده دل ونیکوسرشت باشد بافهمی درست وسختی شیرین، به زر وسیم دل نیندد. درغضب خویشتندار، بابیماران مهربان، به رازها محرم، جامۀ سفید پوشد ودر رفتار وغفتار آرام باشد./

بهرترتیب، انتخابات منحرف، عدم مدنظرگیری شایسته سالاری ومیلان و رغبت پیگیر به رابطه سالاری، فقدان عدالت انتقالی، ترویج فرهنگ برتری جویی وازدیاد ترورهای زنچیره یی شخصیتها، کمپانیهای انتخاباتی تصنعی و ایجاد ائتلاف های گوناگون مصالحتی، میزهای مدور وگوياکارشناسانه و نوعیت اجلاس کابینه وشورای وزیران وموقف گیرهای سیاسی لجبازانه ونا باورانه و...همه موضوعات ومشکلاتی اند که سرهم انبارشده است.

دربرنامۀ تلویزیونی من، دریچۀ سخن، که همراه برای سه ساعت از طریق شبکۀ جهانی پیام افغان نشرمیگردد، هموطن عزیز ی سؤال نمود که اگرانجام انتخابات به بحران برود ومشکل رای بایومتریک وغیربایومتریک حل نشود، چه خواهد شد. انتخابات اززمانیکه دروقت وموعدنتیجهٔ آن اعلان گردیده بحران رفته است، بازهم سؤال شدراه دیگرچیست؟ بایدگفت بهترمیبود که اگر دور اگررای بایومتریک تنهاحساب نشود، مردود اعلام گردد ولو که نتیجۀ آنراهم کمسیون انتخابات اعلام نماید که یقینا به نفع ارگ است.

ماوشمادیدیم که مورالس ۶۰ساله رئیس جمهوربولیوی ازساع ۲۰۰، دراریکۀ قدرت بود، سرانجام در ۲۰ اکتوبربعدازانتخابات ریاست جمهورآن کشور اول اعلام شد که اوورقب اپوزیسیونش به دوروم راه یافته اند، اما کسی بعدترکمسیون انتخابات ازپیروزی مورالس خبرداد، این موضوع باکنشها وواکنشهاهمراه شدوموج اعتراضات ومظاهرات مردمی بالاگرفت و منجر به عقب نشینی تیم برساقتدار گردید.

مریم سلیمان سلور سپرنگ ، مريلند **نامهٔ مهربانانه از یک هموطن ارجمند**
یکی ازمشترکین جریده نامهٔ عنوانی مدیرمسئول نگاشته اند، که فشردهٔ از آن به نشر می رسد .

جناب شخصیت فرهیختهٔ محترم آقای کوشان گرامی ! من همیشه مطالب و اخبارمعتبررا درجریدهٔ بسیارارزشمند امید از آدرس شماهمواره تعقیب مینمایم. می بینم که امید همواره روزنۀ برای دردمندان دورازوطن آبایی شان میشود و واقعا داشتن این جریدهٔ معتبر وپرتیراژ درآسمان مطبوعات وطن ودورازوطن یک غنیمت بزرگ محسوب میشود. بیش ازربع قرن نشرمتواتر ومسلسل امید کار ساده وآسان نیست، یقینا جناب شما با برده باری و زیوردانش ودرایت درحساسترین برهۀ کشور جهت روشن ساختن بیشتراذهان عامه، امید راروانۀ منازل ارادتمندان وعلاقمندان می کنید این خودشیوۀ خردمندان شماسـت که درقبال وطن ووطنداران دارید وموی سیاه تانرا باوضاحت وابر ازحقیقت سپید ساخته اید. رحمت خداوند بر شما باد .

همچنان همسر محترمۀ تان جناب داکترثميله کوشان نیز درکنار کارهای ادارهٔ خانه وامور محوله درامور مطبوعاتی شما راهم یاری ومدد رسانی میکنند.به همین مناسبت خدمت شان هم ارادت و آفرینی عرض میدارم.

اجازه بفرمایید ازراه دور ولی به تصورم ازنزدیک دستهای تانرا بفشارم وبوسم و ازاینهمه زحمات قابل وصف تان سپاسگذاری کنم. هرچنددرین اواخرمدت ی ازتعقیب مسلسل جریده دورماندم ولی شخصیت گرامی ودوست قابل افتخار همهٔ ماجناب مشتاق نوری صاحب متصدی برنامهٔ وزین دریچۀ سخن، که هر ماه سه ساعت پی درپی رنگین و وزین وپرمحتوا دارند، آدرس جدیدتان را به من لطف کردند، ازایشان مشکور وممنونم وشناسایی شان مفتخرم.

جناب کوشان، همانطور که شما زاده ومتعلق به یک خانوادهٔ علم پرور هستید، من هم منسوب به یک خانوادهٔ فرهنگی هستم که جد بزرگوارم جناب جنت مکان استادهاشم خان شایق افندی هستند. من درصدد نگارش یک اثردربارۀ کارکردهای جناب جدبزرگوارم میباشم، اگرچه یک مادرهستم ولی میخواهم دراوقات فراغت ازدغدغه های روزگار بتوانم یادی ازجدبزرگوارم، آن دانشمند مدبر وفریخته هم داشته باشم تا برای نسل آیندۀ خانواده یک بیوگرافی بویزه درامور فرهنگی آن بزرگوارباقی بماند...

باعرض حرمت وارادت، وطندار شما، مریم سلیمان /

اداره: بانو مریم سلیمان گرامی، مژدهٔ بزرگی دادید، هر بخشی از بیوگرافی شادروان جناب استادشایق افندی بزرگوار رانوشید، لطفا یک نسخه به امید بفرستید، تا کامل شدن آن، شما متن آماده برای چاپ می داشته باشید وخوانندگان امید هم از آن مستفید می گردند. سعادتمند باشید./

وزیر خارجهٔ ایالات متحده بدنبال اعلام پیروزی مورالس، کمسیون گویامستقل انتخابات بولیوی رابه تلاش برای تغییرآرا متهم کرد، هیئت ناظر سازمان کشورهای امریکایی موسوم به(او ای اس. نیزدربارۀ نحوۀ شمارش آرا ابرازنگرانی نمودند. بالاخره بعدازفشار های داخلی وموضعگیری های بین المللی مورالس روزیکشنبه اعلان نمود که دوباره انتخابات رابر گزارمیکند وافزوداعضای کمسیون انتخابات رانیز تغییر خواهد داد وگويا رای های آتچنانی واین چنینی راهم شفاف سازی خواهد کرد، ولی اعتراضات وموقفگیری بشدت وحدت ادامه یافت تااینکهروز ۲۱ اکتوبر باننتشار این خبرهمراه تصویرمورالس که رئیس جمهورمستعفی بولیوی ازمکسیکو پناهندگی دریافت نمود وطیاره اش به پایتخت آنکشور فرودآمد ومارسلو ابرارد وزیر خارجهٔ مکسیکو ازوی پذیرایی کرد. بدین ترتیب طغیان مردم مورالس راسرنگون ساخت.

این بخش این سلسله رابه دوست بزرگوار وهمکار سابقه دار مطبوعاتی ام اهدا مینمایم، بلی این بخش رابه شخصیت ارزنده و برازنده داکترعنایت الله شهرانی شخصیت چندبعدی که سالهای زیاد درمطبوعات باهم همکارهستیم، واز زمانیکه بحیث رئیس عمومی اتحادیۀ سراسری هنرمندان افغانستان انتخاب شدند، بحیث معاون شان ایفای وظیفه کرده ام. بنده همواره درطول چنددهه کاردر مطبوعات ازشتویق هاورهنمودهای عالمانۀ شان برخوردار بوده ام. در سالگردهای من درماه اگست ازاولین هاست که زادروزمراتبریک میگویندو بارها به قلم زیبای شان سوانح مرا درمطبوعات نشرنموده اند. درماه اگست گذشته که تبریکی دادند ومراباعینک نمره دardیدند گفت: نوری عزیز نزدیک شان به مرزپنجاه سالگی مزایا ومعایی دارد، کلمات روزنامه هاوکتابها راازنزدیک نمی بینی ولی احمق هارا ازدور می بینی وتشخیص میدهی !

جهان آدمی در علم باشد کمال آدمی درعلم باشد اگرخداوندبزرگ توفیق ومجال وسلامتی ارزانی فرماید باتوکل به ذات اقدسش درخدمت خواهم بودوتشکر که عزیزان زیادی زاد روز مرادرفیسوک وایمیل ودریچۀ سخن تبریک گفته اند، درحفظ و عزت الهی باشند. (دنباله درصفحهٔ پنج)

شرح دوبیت بیدل (دنباله ازصفحهٔ چهار)

ترا سهو ،اشتباه و درماندگی نیفند، تو توانا و دانایی (۵) آیات ۴ و ۵ سورة الممتحنه. — کشف الاسرار (۲)بعد حضرت بیدل (رح) می سراید: عاقبت نقشی بر آب است، اعتبارات جهان نام، جای خود چه لازم در نگینها وا کند در فرجام با این غزل حضرت ابوالعانی میرزا عبدالقادر بیدل(رح) این مضمون را به پایان می بریم: مست‌عرفان را، شراب دیگری در کار نیست جز طواف خویش، دور ساغری در کار نیست سعی پروازت چو بوی گل، گر از خود رفتن است تا شکست رنگ باشد، شهری در کار نیست سوختن چون شمع، اوج پایه اقبال ماست داغ منظور است اینجا، اختری در کار نیست صبح را اظهار شبنم، خنده یی دندان‌نماست سینه‌چاک شوق را، چشم تری در کار نیست خفت وتمکین، حجاب نشئه وارستگی‌ست بحر اگر باشی، حباب و گوهری در کار نیست شانه گر مشاطه زلفت نباشد، گو مباح دفتر آشتگی را، مسطری در کار نیست آتش خورشید را نبود کواکب، جز سپند حسن‌چون سرشار باشد، زیوری‌در کار نیست شعله‌ها در پرده سعی جهان، خوابیده است گر نفس سوزدکسی، آشگری درکار نیست اضطراب دل، ز هر مویم چکیدن می‌کشد چون رگ ابر بهارم، نشتری در کار نیست عالم عجز است اینجا، جاه کو، شوکت کدام؟ تا توانی ناله‌کن، کر و فری در کار نیست خشت بنیاد تو بر هم چیدن مزگان، بس است در تغافلخانه، بام و منظری در کار نیست زهد و تقوا هم‌خوش است، اما تکلف بر طرف درد دل را بنده‌ام، دردسری در کار نیست حرص قانع نیست بیدل! ورنه از ساز معاش آنچه ما در کار داریم، اکثری در کار نیست. /

کودکان قربانی ... (دنباله ازصفحهٔ پنج)

های اسلامی این دیدگاه را با مصلحت کودکان سازگار یافته و برای سلامت اخلاقی و عاطفی آنان مناسب دیده‌اند و آن را به مثابه رویکردی جهان‌شمول موردتایید قرار داده‌اند.باتعین سن ۱۸ به عنوان سن تکمیل کودکی، بخشی از نابه‌سامانی‌های تربیتی و اجتماعی کاهش یافته وباعث می‌شود از ظلم و اجحاف در حق آنان جلوگیری شود، تاجامعه شاهدانبوه کودکان کار، کودکان جنگ و کودکان آسیب‌دیده اخلاقی و اجتماعی نباشد. قانونی ساختن این امر کمک می‌کند که فرهنگ تفکیک میان کودکان و بزرگسالان نهادینه شود و این امر در سطح مکاتب و مدارس، و نیز در سطح محیط اجتماعی استوار گردد. از آن طریق به کودکان فرصت داده خواهد شد تاکودکی را چنانکه حق شان است تجربه کرده، و نیاز های عاطفی و روحی این دوره ازعمرشان برآورده گردد، و هم‌زمان از ازدواج‌های نخواست‌ه و زود هنگام جلوگیری شده و هم‌چنان از ورود زود هنگام آنان به بازار کار و سوء استفاده از توانایی‌های بدنی آنان از سوی استفاده‌جویان جلوگیری خواهد شد.

بخش وسیعی از تحصیل‌کردگان و متخصصان رشته‌های مختلف علمی خطرات این موضوع را درک کرده و معتقدند که با جلوگیری از ظلم بر کودکان و تامین حقوق آنان یک فریضه شرعی تحقق یافته و یکی از مقاصد شریعت اسلامی که دفع ظلم و اجحاف در حق اقشار آسیب‌پذیر جامعه است به انجام خواهد رسید. از این طریق نشان خواهیم داد که جامعه ما ساز ناهمانگی در هارمونی جهانی حقوق بشر نخواهد بود.

ازینکه مطلب این مقال طولانی شد هدف از ذکر مطالب بالا این است که اگر ما به تامین حقوق و تربیهٔ اطفال امروزغفلت کنیم ، نسل آینده گروهء عاطل وباطل،بی‌سواد،مریض، و ده ها مشکل کمبود شخصیت را با خود خواهندداشت که بامسابقهء پیشرفت تکنولوژی، اکنولوژی ،عصر هوش معنوی و پیشرفت محیر العقول علم و دانش درجهان نه تنها عقب خواهیم بود که از همه چیز بکلی حذف خواهیم شد.

دست اندر کاران، قانون سازان ، پیش کسوتان جامعه باید به خود آیند و عقل ودرایت و ضرورت‌های مبرم جامعهء را نباید فدای گل روی دوسه تَفَریخردومتعصب سازند. به امید تفکروتعقل ۱۵/۱/۲۰۲۰

تصحیح ضروری :
درشمارهٔ پیش (۱۰۶۵) درپایان مقالهٔ باعنوان(گاکامراد را آی اس آی کشت) درتوصیف «اقتلوا المؤذی قبل ایذاءها»(حکم قرآن) نوشته بودم. جناب دکترروان فرهادی واقعاً درست فرمودند،عبارت مذکور حدیث مشهوری از حضرت پیامبر(ص) میباشد. رحیم شنسب

خاطرهٔ از استادشهید پنجشیری (دنباله ازصفحهٔ سه)

استادپنجشیری درزمان زعامت شهیدفقیداستاد برهان الدین ربانی عضوشورای عالی مشورتی ریاست جمهوربود. این شوراکه متشکل ازچهل تن ازاستادان برجسته وشخصیتهای علمی کشوربود، تحت ریاست ربانی شهیدومعاونت داکترعبدالحی الهی فعالیت مینمود و دولت رادرمواردحیاتی اقتصادی، ملی و سیاسی مشوره میداد. باید یادآورشدکه این اولین باری درتاریخ کشوربودکه زعیم آن با دانشمندانی که فقط سمت استادی دانشگاه رداداشتند، درامور کشور مشورت مینمود.استادپنجشیری بعداً وزیرمشاور دراموردولت شد.

وقتی طالبان مزدور باهمه وحشت ودهشت کابل رااشغال کردند، درنخستین روزهادربی اشخاص دانشمندشدند وهریکی رایپیداکردند کشتند، بندی کردند یامجبوربه فرارساختند. یکی ازاستادان راکه طالبان درهمان روزهای اول به شهادت رساندند میرعبدالجلیل معقول استادفاکولتهٔ حقوق بودکه اورادر دفترش لت وکوب کردند واوبه شکلی ازچنگال خونین آنان خودرا نجات داد ولی بعدخانهٔ اورا پیدا ودربیش دروازه به اندازهٔ لت وکوب کردندکه درزیر لت وکوب وضربات قنداق تفنگ جان به حق سپرد. شهیدمعقول فرزند میر عبدالکریم معقول یکی ازشخصیتهای ملی مردم چاریکاربود.

جای تعجب است که تعدادمحدود استادان بنابرملحوظات زبانی وقبیلوی استادانی راکه ازشمالی وولایات شمال کشوربودند نشانی نموده مخفیانه به طالبان راپورمیدادند. مثلاً دردانشکدهٔ زمین شناسی کسی بودکه حبیب نام داشت واز وردک بود، اوازشاگردان من بود، درزمان تحصیلش به اوکمک زیادکردم وکوشیدم تا اوراشامل کدرعلمی بسازم وفکرمیکردم که آدم خوب است. اودرطول دولت اسلامی شهیداستادربانی خاموش بود، به مجردی که طالبان کابل رااشغال کردند، درهمان روزهای اول به من نزدیک شدوگفت: حالادگه پادشاهی شمازوال شد، یادت می آیدکه چقدر اززور ربانی ومسعود خیزک میزدی، به زودترین وقت به حساب تومیرسم ! من مات ومیهوت شدم که چطورییک انسانی راکه به اواحسان کرده ام نمک حرام واحسان فراموش شده است ! ازهمان روزدیگربه دانشگاه نرفتم. روزبعد استادغلام نبی ناطق به خانهٔ ماآمدوگفت: هوشدارکه به دانشگاه نیایی. من ازو تشکروامنتان کردم وشب هنگام فامیل راگرفته ازخانه خودفرارکردم. بعدها خبرشدم که همین حبیب وردکی ازاستادپنجشیری به طالبان راپور ونشانی خانه اش رابه آنها داده بود. آرش فرزنداستادمیگوید: «شب پدرم درخانهٔ دیگری خواب بود، نیمه های شب یانزدیک صبح بودکه درب خانهٔ مابشدت زده شد، پدرم می خواست برود ودرب را باز کندمادرم ازمزل بالاکه هنوز کلکین ودروازه نداشت دید که پنج شش طالب مسلح دربشت دروازه اند، پدرم راممانعت کرد ومن وپدرم هردو ازشردیواربه خانهٔ همسایه خیززدیم، وبعدازخانه های دیگر خیززدیم، درخانهٔ دوازدهم که ازخویشان مابود پنهان شدیم وهمسایه ها همگی کمک کردند، سر وروی هردوی ماپرت وپوست شده بود، چندروزدر آنجانبهان بودیم وبعدباهمکاری دوستان به تخاررفتیم وباقوتهای مقاومت پیوستیم وپدرم بحیث مشاورشهیداستادربانی ایفای وظیفه می نمود. »

آرش میگوید: طالبان درب خانهٔ ماراشکسته وداخل شدند، اتاقهارا لگدمال کرده مادرم وخواهر کوچکم وبرادرم رابامیلۀ تفنگ تهدیدیمیکنند که بگویند من وپدرم کجاهستیم. مادرم میگویدمن خبرندارم وطالبان جمشیدبرادرم را که ۱۲ساله بود باوجودگریه وزاری مادرم وخواهرم دست وپابسته باخودبدرند. جمشیدمیگویمن به اندازهٔ ترسیده بودم که حرف زده نمی توانستم. جهرة طالبان به اندازهٔ وحشتناک بودکه ازوحشت آن سراپای وجودم میلرزید و دندانهایم بهم میخورد. یکی ازآن طالبان سیلی محکمی برویم زدوچیزی به پشتوگفت که من ندانستم، سرانجام مرادریک اتاق تاریک که فرش نداشت انداختند و دروازه را بستند. من دریک گوشه خزیدم، ترس وتاریکی اتاق هولناک بود ومن ازآن بسیارترسیده بودم، پدرومادرم وبرادروخواهرم درفکرم می گذشت وبه یادآنها هک هک گریه میکردم. چون اتاق تاریک بود نمی دانستم که روزاست یاشب، بعدازمدتی کسالت وخواب بالایم غلبه کردرووی زمین سرد ونمناک بخواب رفتم. نیمه های شب بود که دروازهٔ اتاق بشدت باز شدومن ازخواب پریدم، دوطالب باموهای کشال وچرکین مرابه اتاق دیگر بردند که تعدادطالبان بیشتربودند، همه به پشتوگپ میزدند که من گپ شانرا نمی دانستم ولی ازنگاهها ترسناک وجهره های وحشتناک شان ترسیده بودم. یکی ازآنها که به فارسی شکسته حرف میزد ازم من پرسید پدرت کجاست، در خانهٔ تان کی زندگی میکند، پدرت سلاح داشت یانی، باکی ارتباط داشت، برادرکلانت چه شد، پدرت باربانی ومسعود بود وسوالهایی ازین قبیل که من چون بسیار خردبودم اکثرسئوالهای شانرا نمی دانستم، وجودم می لرزید ولی از وحشت آنهاگریه کردن رافراموش کرده بودم.

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰)دالر= یکسال(۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر = یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۵۰) دالر= یکسال (۱۰۰)دالر

Omaid Weekly

12286 Ashmont Ct #202

Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel/Fax : (703) 491-6321

Email: mkqawi471@gmail.com

مشابهت اوضاع سیاسی... (دنباله ازصفحهٔ هشت)

*تاسیس «کمسیون مشترک نظامی» که متشکل از چهارگروه سیاسی (ویتنام جنوبی، ویتنام شمالی، کمبودیا و لائوس) و کمسیون بین المللی کنترول و نظارت باشد. این کمسیون از: کانادا، هنگری، اندونیزیا و پولند تشکیل شده بود و وظیفه داشتند تا آتش بس را تطبیق نمایند. هردو گروه سیاسی و کمسیون نظامی با اتفاق آراء عمل میکردند.

*برآمدن قوای خارجی از لاؤوس و کمبودیا

*منع اعطای لوازم حربی به ویتنام جنوبی به استثنای ترمیم وتعویض پرزه جات.

*منع معرفی نمودن پرسونل نظامی بیشتر به ویتنام جنوبی

*کمک مالی امریکا «جهت التیام زخم های جنگ» در تمام هندوچین. (ادامه دارد) /

هرشب همین حالت بود، چیغ وفریادمیزدند وبه پشتو دو ودشنام میدادند ومن مات ومبهوت بودم وبعضا سرم گیج میشد ونمی دانستم چه میگویند. چندهفته مرادرآن اتاق بندی کردند ازنان خوردن وخوایدن مانده بودم ودرووزهای اخیربه اندازهٔ ضعیف شده بودم که بالای چوکی نشسته نمی توانستم وهمۀ وجودم دردمیکرد، توان ایستادن ورفتن نداشتم. یک روز دوطالب آمده مراازاتاق کشیده درموتری انداختند، موتربعدازمدتی ایستادشد، دروازهٔ موترترایکی ازآنان بازکرد ومراازموترتپایین کرد وموترحرکت نمود. متوجه شدم که خانه خودماست، دلم قوت گرفت پاهایم شیمه پیدا کردوخود رابه دروازه رساندم، مادرم دررابازکرده بشدت مرا درآغوش گرفت سرورویم رامی بوسیدوهای های گریه میکردومن هم خوش بودم وهم گریه میکردم. دلم بسیارمیخواست که پدروبرادرم رابینم برایم گفتند که به سفررفته اند. شب شدیکی ازاقارب ماآمد مراباخودگرفت وبطرف شمال حرکت کردیم وبعدازدوروز نزدپدرم که درخواجه غاربود رسیدیم.

آرش میگویددروزرجمعه بود کسی به خانه میآید وپدرم به مادرم میگویدکه چندجوره لباس مراتپه کن که بخاطرکارعاجلی به پنجشیرمیروم. تمام روز احوال تلفونی ازو نیامد، روزشنبه صبح به کاکایم تلفون کردکه من دربغلان مرکزی هستم پانزده هزار دالرتپه کن وروان کو که یک مسألهٔ حقوقی است، کاکایم بدون اینکه مرادرجریان بگذارد پول راباحساب بانکی روان میکند. فردای آن یکشنبه بازپدرم به برادرش تلفون میکند که پانزده هزار دیگرهم روان کن، بعد دیگراحوالی ازاو نمی آید وچهاربارکسی دیگرتلفون میکندومیگوید که استاد نزدماست پریشان نباشید. بروزیکشنبه تلفون ناشناس دیگری میآید.

شخص مذکوره به فارسی شکسته حرف میزند وگفت آیاشما شخصی رابنام عزیزاحمدپنجشیری می شناسید، جنازه اش در سرسرک افتاده است. بعد قوماندان امنیۀ بغلان تلفون کردکه ماجازهٔ استادپنجشیری رادرکنارپل جرخشک مربوط علاقه همت خیل پیدا کرده ایم به فامیلش احوال داده شود که جنازه را تسلیم شوند. قوماندان امنیۀ بغلان میگوید که طالبان درین قتل دست داشتند ودولت هم طالبان رامتهم ساخته واشرف غنی دریام تسلیت خودگفت استادرا طالبان به شهادت رسانیده اند.

استادعزیزاحمدپنجشیری بتاریخ ۸عقرب ۱۳۹۸ بدست افرادجاهل وناهل ویی دین شهیدشد. انالله وانا الیه راجعون. گروه نابکاری عاطفه ویی فرهنگ یکبار دیگر چراغ معرفت وروشنایی بسوی حقیقت راخاموش کرد. علاقهٔ همت خیل دربغلان مرکزی جایی است که اکثرناقلین درآن سکنא داده شده اند که تعداد کثیرافراد گلبدین زندگی میکردند وبعدبه طالبان پیوستند. ناحیهٔ جر خشک ازشالیان دراز حتی درزمان ظاهرشاه هم به رهنی وقطاع الطریقی شهرت داشت، عابرن ومسافرین همیشه درآنجا اذیت میشدند وهست وبود شان به یغما برده می شد ! /

 کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری،به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانندیک نسخهٔ انرااز مرجع ذیل بدست بیاورند : Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

مسابهت اوضاع سیاسی ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

که آتش بس را به عوض یک شرط قبلی آزادی اسیران برای عقب کشی قشون خود، می پذیرد. یعنی امریکا قوای خود را از ویتنام جنوبی بدون اینکه ویتنام شمالی عین کار انجام دهد به عقب میکشاند. این امتیاز، وقفه را از بین برد و منتج به حل مشکلات مذاکرات در چند ماه آینده شد.

ویتنام شمالی با حملهٔ که Nguyen Hueنام داده بودند و درغرب بنام حمله ایستر (Easter Offensive)ودر ویتنام جنوبی «بهاربا شعله های آتشین «یاد میشد، آغاز نمود. «پروگرام ویتنامی ساختن امریکا «ویتنام شمالی را درهراس افکند. ازین جهت، ویتنام شمالی هم تصمیم گرفت تا قبل از آتش بس؛ ساحهٔ بیشتر زمین را تحت کنرول خود در آورد، ضربهٔ شدید به قوای ویتنام جنوبی و امریکا وارد سازد و مفکورهٔ ویتنامی ساختن امریکا را نابود کند. این جنگ بین قوای مردم ویتنام (قوای نظامی ویتنام شمالی) و قوای جمهوریت ویتنام (قوای نظامی ویتنام جنوبی) و قوای نظامی امریکا بین ۳۰ مارچ تا ۲۲ اکتوبر ۱۹۷۲م بوقوع پیوست.

امریکا به جواب حملهٔ ویتنام شمالی، عملیات (linebacker)را از نهم ماه می تا ۲۳ اکتوبر ۱۹۷۲م به منظور دفاع از ویتنام جنوبی، با حملات بسیار شدید قوای هوایی به راه انداخت که مانع رسیدن ویتنام شمال بصوب جنوب گردیده صدمات زیاد بر ویتنام شمال و جنوب وارد ساخت. همچنین درین مرحله، ویت نام شمالی هراس داشت که اگر مساعی نکسن در صورت دیتانت (détente)یا ایجاد روش دوستانه) رابطهٔ امریکا را با قدرت های بزرگ کمونسټ اتحاد جماهیر شوروی و جمهوریت مردم چین که قوای نظامی ویتنام شمالی را حمایت میکردند، بهبود بخشد، آنها به انزوا کشانیده خواهد شد. بناء، تو Thòعضو پولیتیورو در یک نشست با کسنجر تمایل نشان داد که در صورت به قدرت ماندن حکومت سایگون مذاکرات میتواند به مرحلهٔ نهایی منجرگردد. در ظرف ده روز مذاکرات سری توانست که آخرین درافت (مسوده) را طرح نمایند. کسنجر در واشنگتن اعلان نمود که «صلح نزدیک است .«ولی»«تیو «رئیس جمهور ویتنام جنوبی مذاکرات سری را نه پسندید و طرح را بدون تغییرات لازمه قابل پذیرش نیافت.

بهر صورت، تعداد وفیات در طول زدو خورد از ۱۹۶۵م به اینطرف بی نهایت از حد تحمل خارج شد (درحدود پنجاه هزار) ودر داخل امریکاجنگ ویتنام را قبول ناپذیر ساخت. بناء، حوالی خزان ۱۹۷۲م بود که فشار بی نهایت زیاد بر نکسن وارد آمد تا از جنگ دست بکشد. بالنوبه، امریکا ویتنام جنوبی را سخت تحت تقاضای شدید قرار داد تا پیمان صلح را باوجود دست نیافتن به امتیازاتی که «تیو «میخواست امضا کند. نکسن به مردم ویتنام جنوبی وعده داد که به کمک های بیشمار امریکا دوام میدهد، چون در انتخابات نکسن با موفقیت سرتاسری انتخاب شده بود فکرمیشد که به وعده خود وفا میکند. با استفاده ازین تجربه مردم افغانستان هم با فشار های سرتاسری و شرکت همه اقشار میتواند تا بر امریکا فشار بیاورند که با طالب ظالم و تروریست شناخته شده از معامله گری بضد مردم افغانستان دست بردار شود.

نکسن، برای اینکه جدیت وعدهٔ خودرا به ««تیو «نشان دهدعملیات Linebacker IIکه شامل بمباردمان شدید بر ویتنام شمالی بود در دیسمبر ۱۹۷۲م امرداد. همچنین نکسن، سعی ورزید تا قوای ویتنام جنوبی را از از ماه می تا دیسمبر ۱۹۷۲م زیرعنوان عملیات «زیاد تر و حتی بیشتر Enhance and (Enhance Plus)با مقادیرعظیم سامان و لوازم و مواد نظامی تقویت بخشد. هدف دیزاین این عملیات آن بود که ویت نام شمالی را بر میز مذاکره نگهداشته و نگزارد که میز مذاکره را ترک کند وهم ادعای پیروزی کامل نداشته باشد. وقتیکه حکومت ویت نام شمال موافقه نمود که بحث ««تکنیکی «را با امریکا از سر بگیرد، بروز ۳۰ دسمبر نکسن امرتوقف بمباردمان را در موازات بیستم (۲۰ th parallel)صادر نمود. با تعهدات امریکا که از جنگ دست میکش (و بعد ازاینکه نکسن ویتنام جنوبی را تهدید نمود که اگر موافقت نکند امریکا انهارا تنها گذاشته از صحنه خارج میشود) تیو رئیس جمهور ویت نام جنوبی چاره ای دیگر جز رضایت به موافقه

 maid Weekly
The Most Widely Read Afghan Publication in the World
Volume 28, Issue No. 10 , JANUARY 21, 2020, ISSN 1098-8777
Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan 12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.
Tel :(703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

نداشت؛ آن وقت بود که امریکا با شدت حملات هوایی و تهدید، حریف را به میز مذاکره مجبورساخت و برایشان موقع نداد که ادعای پیروزی کامل نمایند؛ متأسفانه اکنون حریف امریکا که یک گروه تروریست ظالم بد تراز ویت من، انتحاری تر و ظالم تر اند، امریکا را به زوربه اثر فشار روسیه وچین و پاکستان و عرب ها میخواهد به میز مذاکره بکشاند و بعد طالب ظالم ادعای پیروزی بر امریکا نموده موفقیت خودرا جشن گیرند.

راستی تعجب آور است که چقدر گذشت زمان بر حوادث ورویداد ها رول مهم بازی میکند. در سال ۱۹۷۲م اضلاع متحده امریکا که قدرت و عظمت داشت باتهدیدواستفاده از قوای هوایی غران وخشن دشمن رامجبور به مذاکره ساخت. لاکن در سال ۲۰۱۹م یک گروه تروریست که عبارت از طالب ظالم است امریکا را با ««تهدید حملات انتحاری برای صد سال «به زور به میز مذاکره میکشاند و قوماندانانش اقرار میکنند که با جنگ نمیتوانند بر دشمن غلبه یابند. جای تأسف است که بلیونها دالر مصرف میشود و هزاران فرزند امریکا با انفجارات پارچه پارچه میشوند ولی به دشمن جواب دندان شکن داده نمیشود. این روش جنرال امریکایی سخنان ادمیرال دانجیلورا که به جنرال لوکلیر درهشتم مارچ ۱۹۴۶م در هانوی گفته بود بخاطرم زنده ساخت که اظهار داشت: ««من تعجب میکنم! بلی من تعجب میکنم که فرانسه چنین یک قوای با شهامت و جنگی دارد ولی چیف آن عوض جنگ (که وظیفهٔ اوست –دستگیر)، گپ میزند و مذاکره میکند .«کرچه جنرالها مستقیماً درین مذاکرات بین طالب و امریکا دخیل نیستند ولی در پس پرده یک تعداد معدود شان، که نمیدانم چرا؟ مشوق تسلیمی امریکا به یکدسته تروریست ها اند. حیف است که به عوض موفقیت حملات هوایی شبانه روز۷ اکتوبر ۲۰۰۱م امریکا در مقابل طالب در ظرف چند روز، امروز امریکا ضعف نشان میدهد و عقب نشینی میکند و میگذازد طالب که دشمن شان است اعلان پیروزی کند. خوشختانه ترمپ تا حال به این مشوره نظامیان تن در نداده و ثابت ساخته که از جنرالان خود بیشتر میداند.

بروز ۱۵ جنوری ۱۹۷۳م پرزیدنت نکسن اعلان کرد که فعالیت های حمله بر ویتنام شمالی را به تعلیق درآورده است. کسنجر و تیو بروز ۲۳ جنوری با هم ملاقات نموده وپیمانی راکه تقریباًمانند پیمان سه ماه قبل بود امضا کردند.

این پیمان بروز شنبه ۲۷ جنوری سال ۱۹۷۳م برای به میان آوردن صلح در ویتنام و ختم جنگ در آنجا در ««قصر مجیستیک «پاریس امضا شد. مفاهمه گران این موافقتنامه از طرف امریکا هنری کسنجر Henry Kissingerو از طرف ویتنام شمالی لودوس تو Lé Đức Thoبود. این موافقتنامه ازطرف حکومت جمهوری دموکراسی ویتنام (شمالی)، جمهوریت ویتنام (جنوبی)، اضلاع متحده امریکا و حکومت انقلابی مؤقت (PRG) که از انقلابیون اصیل ویت نام جنوبی نمایندگی داشتند، پذیرفته شد.

عنوان: پیمان صلح پاریس

پیمان در نه (۹) فصل ۲۳ ماده در۱۲ صفحه درانترنت نشرشده است:

موافقت نامه جهت ختم جنگ و برگردانیدن صلح در ویتنام.

طرفین شرکت کننده در کنفرانس پاریس در موضوع ویت نام:ـ با در نظر داشت ختم جنگ و برگردانیدن صلح به اساس احترام برای حقوق اساسی و ملی مردم ویتنام و حق مردم ویتنام جنوبی برای تعیین سرنوشت و برای تشریک مساعی درپایدار ساختن صلح در آسیا و جهان به مواد ومدارک ذیل موافقت کرده اند که آنها را محترم شمرده تطبیق مینمایند.

فصل اول– حقوق اساسی مردم ویتنام در ماده اول تذکر یافته است.

فصل دوم– قطع خشونت و عقب نشینی قشون از ماده دوم تا هفتم نگاشته شده است. ماده سوم جزء الف، ب، ج دارد.

فصل سوم– اعاد، اسیران پرسونل نظامی و ملکی خارجی با رهایی اسیران و محبوسین پرسونل ملکی ویتنام. ماده هشتم که سه جزء الف، ب، ج دارد.

فصل چهارم– مساعی مردم ویتنام جنوبی برای حق تعیین سرنوشت خود شان. از ماده نهم الی چهارده بوده ماده ای نهم سه جزء الف، ب، ج دارد. آرتیکل ۱۲ هم اجزای الف و ب دارد.

خاطرات استادان وشاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود ترشرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرابه آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه دسمبر ۲۰۱۹ ارسال دارند. تلفون ۰۵۷۱_۴۳۵_۴۶۰۴ mkqawi471@gmail.com 12286 Ashmont Ct #202. Woodbridge VA 22192—7075 U. S. A.

مستندات افغانستان... (دنباله ازصفحهٔ نخست)

جراحناب سفیر بس ازغنی احمدزی، این شخص خودخواه، متعصب ومغز (متفکردوم) جهان نمی پرسد که فسادهاراکی هامیکنند؟ گفته اند (خودکرده را نه درداست ونه درمان!) شما دست غنی احمدزی رابلند کردیدکه رئیس باشد، شبابه اولقب(متفکردوم) دادید !

شخصی که بیش ازچهل سال درکشورشما زندگی کرده واز رسم ورواج مردم کشورسابق خود آگاهی ندارد، به احترام بردید رئیس بانک، رئیس دانشگاه کابل، وزیرمالیه وبالاخره بابلندکردن دستش بحیث رئیس جمهورافغانستان بالای آن مردم بیچاره تحمیل کردید، حالاشکایت دارید که پولهای کمکی حیف ومیل شده است؟

همچنان ازکرزی برای مدت سیزده سال حمایت کردید ویک روزهم به او نگفتیدکه کرزی صاحب لطفا جلو فسادرابگیرید! طالبان را برادرخوانید! مگر همین کرزی نبودکه هزار هاطالب نابکار راکه دستهای شان بخون ملت غریب مآآلوده بود از زندانهاآزادساخت؟ وکوجکترین عکس العمل ازخود نشان ندادید. فساد راخودشما وهمکاران شما بسترسازی نمودیدوملیون ها دالر را بنام کمک به افغانستان به جیب یک عدهٔ محدود ریختانید و ایشان راقادر ساختید که در کشورهای خلیج سرمایه گذاری کنندودر امریکا واروپا وکانادا جایدهاها بخرند.

بلی شما بانی فساد هستید ودرین زنده سال ابرو خم نکردید وحالاشکایت و گلابه از کی ها؟ ! /

فصل پنجم– ترمیم سیاسی دوباره ویتنام و رابطه بین ویتنام جنوبی و شمالی. در ماده ۱۵ بااجزای الف، ب، ج، د ذکر شده است.

فصل ششم– کمیسیون مشترک نظامی، کمیسیون بین المللی کنترول ونظارت، کنفرانس بین المللی. از ماده ۱۶– ۱۹ بوده ماده ۱۶ دارای اجزای الف، ب، ج، د میباشد. ماده ۱۷ اجزای الف، ب، ج دارد. ماده ۱۸ دارای اجزای الف، ب، ج، د، ه، و،ز،ح، ط میباشد

فصل هفتم– درباره کمبودیا ولاؤوس. ماده ۲۰ است که حاوی اجزای الف، ب، ج، د داشت.

فصل هشتم– رابطه بین اضلاع متحده وجمهوریت دیموکراتیک ویت نام. دوماده ۲۱ و ۲۲ دارد.

فصل نهم– موضوعات دیگر. در ماده ۲۱ با تشریحات ذیل نگاشته شده است:

این موافقت نامه بعد ازامضای نمایندگان با اقتدار طرفین که در کنفرانس پاریس درباره ویتنام شرکت کرده اند در معرض اجرا قرار میگیرد. تمام طرف های علاقمند باید جدأ ابن موافقتنامه و پروتوکول آنرا تطبیق نمایند. در پاریس در این روز بیست وهفتم جنوری ۱۹۷۳ به زبان های انگلیسی و ویتنامی. متن انگلیسی و ویتنامی هر دو مساویانه مؤثق اند.

برای حکومت اضلاع متحده امریکا امضا کرد: William P. Rogers وزیر خارجه (سکرتر دولت).

برای حکومت جمهوریت دموکراتیک ویتنام امضا کرد: Nguyen Duy Trinhوزیر خارجه.

برای حکومت جمهوری ویتنام امضا کرد: Tran Van Lamوزیر خارجه.

برای حکومت مؤقت انقلابی جمهوریت ویتنام جنوبی امضا کرد: Nguyen Thi Binhوزیر خارجه.

نوت: منبع انترنت این معلومات را از آدرس ذیل اقتباس کرده http://en.wikisource.org/w/index.php?title=Paris_Accords&oldid=7152624 واینست خلاصهٔ توقعات از پیمان فوق:

*خارج شدن تمام قوای امریکا و متحدینش در ظرف (۶۰) روز
*موازی با آن رهایی محبوسین جنگ

*پاکسازی ماین ها در بنادر ویتنام شمالی از طرف اضلاع متحده
*آتش بس ازطرف ویتنام جنوبی وخط کشی دقیق بین مناطق تحت کنترول کمونسټ ها و حکومت (ویتنام جنوبی)

*آشتی ملی وهماآهنگی با کمونسټ ها، حکومت و گروه بیطرفان، تا آزادی های دموکراتیک تطبیق وانتخابات آزاد در ویتنام جنوبی سربراه شود. (دنباله درصفحهٔ هفت)